

## بسترهای پیدایش عوام‌گرایی در دادرسی کیفری

سعید قماش<sup>\*</sup>

انور احمدی<sup>\*\*</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۲۷

### چکیده

شاکله سیاست‌گذاری جنایی کارآمد در گرو سلامت و عادلانه بودن دادرسی کیفری است. از طرفی مداخله ساخت سیاسی در سیاست‌گذاری جنایی، قابل اجتناب نیست. سیاست‌گذاران از این مزیت (مداخله) برای کسب مقبولیت مردمی بهره‌برداری نموده و دیدگاه‌های عموم را منطبق با خواسته‌هایشان جهت‌دهی می‌کنند که به «عوام‌گرایی کیفری» منتهی شده است. پیدایش چنین رویکردی، مستلزم وجود بسترهای ویژه و بهره‌مندی از کارکردشان در جهت نامطلوب است. سیاست‌گذاران از کارکرد بسترهای برون سیستمی همانند «سزاگرایی عمومی»، «احساس ترس و ناامنی»، «بازنمایی رسانه‌ای جرم» و «تضعیف دولت رفاه» بهره‌برداری نامطلوب نموده و از این طریق، بسترهای مهم و موجود درون نظام عدالت کیفری همانند «مدیریت گرای»، «بی‌اعتنایی به الگوی اصلاح و درمان»، «واقع‌گرایی حقوقی» و «بی‌اعتمادی به نهاد عدالت کیفری» را نیز یاور سیاست‌های عامه‌پسند می‌سازند تا بر ناکامی‌های خود سرپوش بگذارند. نظام عدالت کیفری نباید در پیدایش چنین رویکردی در دادرسی کیفری سهیم باشد بلکه باید با حاکمیت عقلانیت و علم در راستای تقویت و بهره‌مندی کارکرد بسترهای درون سیستمی در جهت مطلوب تلاش کند و حتی باید بسترهای برون سیستمی را هم به خدمت درآورد تا کارکرد این بسترها در جهت نامطلوب، مجال ظهور

---

\* استادیار گروه حقوق دانشگاه کاشان

saeedqomashi@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه کاشان

ahmadiyas@ymail.com

پیدا نکنند. لذا شناخت این بسترها و کارکردهای آنها برای استفاده بهینه از آنها و نیز دفع رویکرد عوام‌گرایی و حاکمیت عقلانیت و علم در دادرسی کیفری ضروری است.

### کلید واژگان:

سیاست‌گذاری جنایی، عوام‌گرایی کیفری، دادرسی کیفری، افکار عمومی

## مقدمه

از مؤلفه‌های اصلی جامعه دموکراتیک، بها دادن به افکار عمومی پیرامون مسائل مختلف جامعه است و امروزه تمرکز بر افکار عمومی به‌عنوان پایه سیاست‌گذاری‌ها به‌ویژه سیاست‌گذاری کیفری، رکن اصلی اندیشه‌های سیاسی محسوب می‌شود. از طرف دیگر، مداخله ساختار سیاسی در حوزه سیاست کیفری، حقوق کیفری را به مسئله مهم اجتماعی با کارکرد تبلیغاتی-سیاسی تبدیل کرده است. این دو مؤلفه اساسی (تمرکز بر افکار عمومی و دخالت ساخت سیاسی) رویکرد بدیع و جدیدی را با نام «عوام‌گرایی کیفری» به وجود آورده است. اتخاذ سیاست‌های کیفری همسو و همگام با پنداشته‌ای عمومی، ناشی از همین رویکرد است. به‌عبارت‌دیگر، عوام‌گرایی کیفری همواره به نقش سرنوشت‌ساز باورهای مردم در سیاست جنایی می‌پردازد و همواره در تلاش برای جهت‌دهی به افکار مردم به‌سوی خواسته‌های خود است تا علاوه بر کسب مقبولیت و محبوبیت مردمی، سیاست‌های خاص خود را از این طریق دیکته کند. اساساً الگوهای سیاست جنایی اعم از آزادی‌خواه برابری طلب و قدرت‌جو از این رویکرد در امان نبوده‌اند، گرچه در الگوی اقتدارگرا زمینه بروز عوام‌گرایی فراهم‌تر است، اما الگوی لیبرال هم به لحاظ شناور بودن و نوسان مداوم و حرکت آن به‌سوی الگوهای دیگر، از آن بی‌بهره نیست. نکته قابل‌توجه آن است که به‌سختی می‌توان نظامی را یافت که سیاست جنایی آن کاملاً منطبق بر یکی از الگوهای سه‌گانه فوق بوده و رگه‌های از دیگر الگوها را در خود نداشته باشد.<sup>۱</sup> فرایند دادرسی کیفری به‌عنوان بخش حیاتی سیاست جنایی، از این موضوع بی‌نصیب نبوده است، به‌نحوی که سلامت و عادلانه بودن دادرسی کیفری را به‌شدت تهدید می‌کند تا به‌زعم خود میان افکار عمومی و سیاست کیفری تلازمی برقرار کند. ضرورت تحقیق حاضر از آن جهت است که اگر در سیاست جنایی برای استفاده از حقوق کیفری، رعایت اصول و قواعد خاصی الزامی است، پس چگونه از حقوق کیفری استفاده ابزاری می‌شود؟ و اگر استفاده ابزاری محض از کیفر ناپسند است پس چرا جوامع مختلف به آن دچار می‌شوند؟ عوام‌گرایی کیفری به‌عنوان یار غار استفاده ابزاری محض از کیفر، نمونه بارزی است که سیاست جنایی را به این موضوع دچار می‌سازد و بدین دلیل، شناساندن و بررسی

۱. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، سیاست جنایی در علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقا دانش دست اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)، جلد دوم، تهران، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴. صص ۲۰۵ - ۲۷۱.

بسترها و زمینه‌سازهای آن اهمیت دوچندان می‌یابد. از طرف دیگر، فقدان شناخت آن‌ها، کارزار در مقابل این رویکرد را ناممکن یا دست‌کم فاقد اثر لازم می‌نماید؛ بنابراین پیدایش و ظهور و نیز اثرگذاری عوام‌گرایی کیفری در فرایند دادرسی کیفری، نیازمند وجود بسترها و زمینه‌سازهای اساسی و مناسب است. به سخن دیگر، تکیه‌گاه و زمینه‌سازهای مؤثری را می‌طلبید تا از طریق بهره‌مندی از این زمینه‌سازها و بسترها و کارکردهای آن‌ها، رویکرد عوام‌گرایی کیفری در این بخش مهم از سیاست جنایی بروز یابد. در این مقاله، با استفاده روش توصیفی-تحلیلی، در پی یافتن پاسخی به این پرسش‌ها هستیم. الف) بسترها و زمینه‌سازهای بروز عوام‌گرایی کیفری در دادرسی کیفری (به‌عنوان عالی‌ترین مصداق عدالت کیفری شکلی) کدام‌اند؟ ب) نقش این بسترها در بروز عوام‌گرایی چگونه است؟ به نظر می‌رسد دو گونه بستر را در این خصوص می‌توان از یکدیگر بازشناخت: نخست بسترهای برون سیستمی و دیگری بسترهای درون سیستمی. مقصود از بسترهای برون سیستمی، آن دسته از زمینه‌سازها و بنیان‌های است که بیرون از نظام عدالت کیفری قرار گرفته و نظام عدالت کیفری را به‌سوی رویکرد عوام‌گرایی سوق می‌دهد. در مقابل، بسترهای درون سیستمی از درون خود نظام عدالت کیفری و تحت تأثیر بسترهای برون سیستمی، زمینه‌ساز رویکرد عوام‌گرایی کیفری در دادرسی کیفری است. از این‌رو در ادامه به بررسی و واکاوی این دو گونه بسترهای عوام‌گرایی کیفری خواهیم پرداخت.

### ۱. بسترهای برون سیستمی

بسترهای برون سیستمی، بسترهای خارج از نظام عدالت کیفری است. سیاست‌گذاران با آگاهی از کارکردهای مهم این بسترها، از آنها در راستای تحمیل سیاست‌ها و خواسته‌های خود بر جامعه بهره‌برداری می‌کنند و از این طریق با تأثیرگذاری بر نظام عدالت کیفری، خواسته‌های عوام‌گرایی را بر نظام عدالت کیفری تحمیل می‌کنند تا به اهداف و مقاصد از پیش تعیین‌شده خود دستیابی پیدا کنند. این بسترها، شامل؛ «سزاکرایی عمومی»، «احساس ترس و ناامنی»، «بازنمایی رسانه‌ای جرم» و «تضعیف دولت رفاهی» هستند که به ترتیب تشریح و تبیین می‌شوند.

### ۱.۱. سزاگرایی عمومی

سزاگرایی عمومی، عاملی تأثیرگذار در سیاست کیفری کشورهای مختلف از حیث توجه به افکار عمومی است. گرایش عموم در توسل به کیفر برای کنترل جرم، مسیری را برای سیاست‌گذاران باز گذاشته است تا از این دغدغه عمومی برای دستیابی به مقاصد خود بهره‌جویند و به نام برداشت کیفری مردم در پاسخ به نگرانی‌های عمومی تصویب و اجرا نمایند.<sup>۱</sup> در غرب اندیشه سزادهی یا مکافات‌گرا را می‌توان در عقاید کانت و هگل یافت. این نظر با تأکید بر مقوله استحقاق و سزادهی صرف بر این باور است که بزهکار باید مجازات شود تنها به این دلیل که مستحق آن است.<sup>۲</sup> در این دیدگاه، رنج حاصل از کیفر ذاتاً ناپسند نبوده تا تأسّف‌بار تلقی شود بلکه از اموری ماهیتاً پسندیده است.<sup>۳</sup> بیشتر سامانه‌های حقوقی مدرن هم سزادهی را هنوز هدف غالب کیفر می‌انگارند و سه هدف دیگر (بازدارندگی، بازپروری ناتوان‌سازی) هدف‌های کمکی اند<sup>۴</sup>، به طوری که از دهه ۷۰ سده بیستم دوباره به هدف غالب کیفر تبدیل شده است.<sup>۵</sup> توجه روزافزون به نگرش‌های عمومی، پدیده‌ای به نام عوام‌گرایی کیفری را انعکاس می‌دهد.<sup>۶</sup> در این مسیر یک پیش‌فرض اثبات نشده وجود دارد مبنی بر اینکه، عموم مردم تمسک به پاسخ‌های سرکوب‌گرایانه را به‌مثابه اراده نهایی و تغییرناپذیر خود مطالبه می‌کنند و حکومت‌ها چاره‌ای جز تبعیت از آن مطالبه مفروض ندارند. این جریان جامعه را به‌منزله یک توده یکپارچه و منسجم در نظر می‌گیرد که در مورد موضوعات جرم و عدالت، توافق همگانی در آن وجود دارد.<sup>۷</sup> در ایران در تأیید روحیه سزاگرایی عمومی، نتایج یک پژوهش، از سطح بالای حمایت از اعدام حکایت دارد، به‌گونه‌ای

1. Rubin, E. L., **Introduction: Minimizing harm as solution to the crime policy conundrum**, in Rubin, E. L. (Eds.) *Minimizing harm: A new crime policy for modern America*, Boulder Co: West View Press, 1999, p.15.

۲. داودی گرمارودی، هما، «مکتب نیوکلاسیک و احیای رویکرد سزادهی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۸، ۱۳۸۴، ص ۷۱.

۳. تبیت، مارک، **فلسفه حقوق**، برگردان حسن رضایی خاوری، چاپ سوم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۹۲، ص ۱۸.

۴. هالووی، گابریل، **کیفردهی آموزه‌ای مدرن**، برگردان علی شجاعی، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۳، ص ۴۱.

۵. همان، ص ۳۸.

6. Gelb. Karen, *Myths and Misconceptions; Public Opinion versus public judgment about sentencing*, Melbourne; The sentencing advisory council, 2006, p. 4.

۷. محمودی جانکی، فیروز مرادی حسن‌آبادی، محسن، «افکار عمومی و کیفرگرایی»، مجله مطالعات حقوقی، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۷۷.

که ۸۶/۵ درصد مخالفت خود را در پاسخ به این سؤال «من به‌طور کلی با نبودن اعدام در ایران موافقم» ابراز داشتند.<sup>۱</sup> تحقیقات میدانی انجام شده در خصوص ۱۴۵ حکم اعدام محکومان مواد مخدر در استان تهران در فاصله سال‌های ۱۳۶۲ - ۱۳۷۸، در حدود ۲۶ مورد (۱۸ درصد) در ملأعام اجرا شده است.<sup>۲</sup> از طرفی، موضوع سرکوبگری به یک کار سیاسی تبدیل شده است<sup>۳</sup> و همین عامل در پیمایش‌های افکار عمومی در مسئله جرم و کنترل آن تأثیر به‌سزای داشته است. لذا امروزه، آمیختگی موضوع سزاگرایی و سرکوبگری از دو جبهه عموم و سیاسیون باعث شده است سیاستمداران از این موضوع به نفع خود بهره‌برداری کنند و از طریق برجسته‌سازی اولویت‌بخشی به خواسته‌های مردم (مردم ناآگاه و یا دارای آگاهی کاذب و تحریف‌شده از مسئله جرم و کنترل آن) در مورد نحوه برخورد با مجرمان، مقبولیت و محبوبیت عمومی کسب نمایند و رهیافت‌های کارشناسی را به علت نداشتن بهره‌وری و منفعت شخصی نادیده بگیرند. بهره‌برداری سیاست‌گذاران از ناآگاهی و سوءبرداشت مردم از جرم و مجازات و بسترسازی آنان برای استمرار این روند و جریان، مسیر را برای رخنه سیاست‌های سخت‌گیرانه و مبتنی بر گرایش سزا مدار عمومی در دادرسی کیفری مهیا کرده است. پیش‌بینی رسیدگی کیفری خارج از نوبت به استناد عباراتی همانند «جریحه‌دار کردن احساسات عمومی» در مقررات کیفری ایران در راستای تأیید سزاگرایی عمومی است. برای نمونه، می‌توان به تبصره ماده ۴۴۹ و نیز ماده ۴۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲،<sup>۴</sup> به ترتیب در مورد رسیدگی خارج از نوبت دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور به جرائمی که موجب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی شود، اشاره کرد. توجه قانون‌گذار به «احساسات عمومی» به‌عنوان یک امر اجتماعی-سیاسی و در نتیجه اثرگذاری آن بر سرعت فرایند دادرسی کیفری، فقط نشانگر آن است که خواسته‌های مردم را مهم

۱. کریمی، فاطمه و اصغر کاظمی، **بررسی وضعیت مجازات اعدام**، چاپ اول، قم، دادگستری کل استان قم، ۱۳۸۷، ص ۱۹۳.

۲. فرجی‌ها، محمد و محمدباقر مقدسی، «**جلوه‌های عوام‌گرایی در سیاست‌های کیفری مواد مخدر**»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۸، زمستان ۱۳۹۳، ص ۴۲.

۳. مالوری، فلیپ، **اندیشه‌های حقوقی**، برگردان مرتضی کلانتریان، چاپ دوم، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۸، ص ۵۳۶.

۴. تبصره ماده ۴۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «به جرایمی که موجب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی شود، با درخواست دادستان صادرکننده کیفرخواست و موافقت دادگاه تجدیدنظر استان، خارج از نوبت رسیدگی می‌شود». همچنین ماده ۴۶۶ همان قانون مقرر می‌دارد: «شعب دیوان عالی کشور به نوبت به پرونده‌ها رسیدگی می‌کنند، مگر در مواردی که به موجب قانون، رسیدگی خارج از نوبت مقرر باشد یا در جرائمی که به تشخیص رئیس‌دیوان عالی کشور موجب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی شود و رسیدگی خارج از نوبت ضرورت داشته باشد».

جلوه داده باشد به گونه‌ای که نقش مهمی را در سیاست‌گذاری کیفری ایفا کرده باشد. به سخن دیگر، خالق قانون خود را مطیع شعار فرض مقبولیت و هم‌نوایی با مردم معرفی می‌کند و به هیچ‌وجه به جنبه‌های منفی حاکمیت سرعت ناروا بر دادرسی کیفری توجهی نداشته است. موکول کردن بازه زمانی دادرسی کیفری به قیودیمبهم و غیرقابل‌سنجش، چون «احساسات عمومی»، تهدیدی اساسی برای حقوق و آزادی‌های متهم به شمار می‌رود. در واقع این موضوع زمینه را برای سلطه فضای احساسی در دادرسی کیفری فراهم می‌کند، زیرا قاضی کیفری ترجیح می‌دهد با فضای احساسی حاکم بر رخداد جنایی هم‌نوا شود تا به مسامحه و تقابل با حقوق مردم متهم نشود. این موضوع، علاوه بر آسیب‌رسانی به حقوق متهم، اصول استقلال و بی‌طرفی قضایی<sup>۱</sup> را نیز زیر سؤال می‌برد. همچنین می‌توان به تبصره یک ماده واحد لایحه حمایت از محیط‌بانان و جنگل‌بانان در مورد پیش‌بینی رسیدگی سریع و خارج از نوبت به حوادث جنایی مربوط به محیط‌بانان و جنگل‌بانان اشاره کرد. این تبصره پاسخی به رخدادهای جنایی صورت گرفته نسبت به محیط‌بانان و فضای ملتهب حاکم بر آن‌ها بود. فرایند دادرسی کیفری بسیار سریع در پرونده‌های همانند قتل قوی‌ترین مرد ایران در سال ۱۳۹۰،<sup>۲</sup> حادثه خمینی‌شهر در سال ۱۳۹۰،<sup>۳</sup> قتل خانه در سنقر ۱۳۹۵،<sup>۴</sup> و قتل آتنا در پارس‌آباد در سال ۱۳۹۶،<sup>۵</sup> بر تأثیرگذاری

۱. ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص ... رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند».

۲. روح‌الله داداشی در ۲۶ تیرماه ۱۳۹۰ در گلشهر کرج با ضربات چاقو توسط جوانی ۱۷ ساله به قتل رسید و پرونده وی طی زمان بسیار کوتاهی (حدود دو ماه) به سرانجام رسید و قاتل وی در ۳۰ شهریورماه ۱۳۹۰ در ملأعام در محل وقوع قتل با حضور جمعیت زیادی، به دار مجازات آویخته شد. ر.ک. به نشانی اینترنتی ذیل:

<http://www.entekhab.ir/38856>

۳. در خردادماه ۱۳۹۰، چند مرد با ورود به باغ شخصی، زنان و دختران حاضر در باغ را مورد آزار و اذیت و تجاوز قرار می‌دهند که در مهرماه همان سال، حکم اعدام چهار نفر از متهمان توسط شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور تأیید و در ۲۰ مهرماه این حکم در ملأعام در پارکبهبشت خمینی‌شهر به اجرا درآمد. ر.ک. به نشانی اینترنتی ذیل:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=1390072000796>

۴. این حادثه در ۲۶ خردادماه ۱۳۹۵ برای خانه (دختر ۵ ساله) در سنقر اتفاق افتاد و پرونده قاتل این دختر در کمتر از ۴۰ روز به سرانجام رسید و حکم اعدام وی در ۴ مردادماه در ملأعام در محل انبار نفت شهرستان سنقر اجرا شد. ر.ک. به نشانی اینترنتی ذیل:

<http://www.hamshahrionline.ir/detial/340769>

۵. آتنا دختر ۷ ساله در شهرستان پارس‌آباد استان اردبیل در ۲۹ خردادماه سال ۱۳۹۶ گم شد و جسدش در ۱۹ تیر همان سال در پارکینگ شخصی پیدا شد. ر.ک. به نشانی اینترنتی ذیل: ←

احساسات عمومی و تفکر سزاگرایی عمومی در امر قضایی دلالت دارد و بدین شیوه تصمیم‌گیری قضایی را تابع عوامل اجتماعی و روانی گرداند؛ بنابراین تأکید بر اجرایی جنبه‌های نمایشی سیاست‌گذاری جنایی همانند سرعت نامتعارف و بی‌اعتنایی به ضابطه مهلت معقول در دادرسی کیفری و نیز اجرای علنی کیفرها، مبتنی بر نگرش سزاگرایی عمومی است. با این حال، افکار عمومی، پنداشت ذهنی عمومیت یافته‌ای است که در برابر یک مسئله معین ابراز می‌شود و بدیهی است چنین پنداشته‌ای نیز می‌تواند در هماهنگی با تضاد با معیارهای عقلانی و تجربی قرار گیرند.<sup>۱</sup> از طرف دیگر، ارزیابی افکار عمومی، مستلزم تبعیت از بهترین شیوه‌های طراحی نظرسنجی است. برای نمونه درست نیست وقتی اغلب مردم اطلاعات لازم برای پاسخ‌دهی معقول به سؤالات را ندارند از آنان نظرسنجی شود یا از اصطلاحاتی که بار معنایی خاصی دارند برای تلقین پاسخ استفاده شود.<sup>۲</sup> علاوه بر آن، نظر به ملاحظاتی چند، سرنوشت حقوق کیفری را یکسره نمی‌توان به افکار عمومی سپرد. گاه وجه غالب افکار عمومی، احساسات خشم‌آلود و انتقام‌جویانه است، پیروی قانون‌گذاران کیفری و به‌طور کلی دست‌اندرکاران عدالت کیفری به‌ویژه دادرسان از افکار عمومی به این معنا به اجرای عدالت کمک نمی‌کند.<sup>۳</sup> حتی یک‌دست و منسجم تلقی کردن افکار عمومی هم با ایراد اساسی روبروست و نمی‌توان به تصویری کاذب از افکار عمومی به مثابه یک کل توپر و یک‌دست اکتفا کرد و ویژگی‌های فنی سیاست کیفری به‌ویژه دادرسی کیفری مانع از آن است که به نگرش عموم بی‌اطلاع یا کم‌اطلاع از مسائل کیفری اکتفا کرد.

## ۱.۲. احساس ترس و ناامنی

احساس ترس یکی از مهم‌ترین احساسات در حوزه سیاست محسوب می‌شود. توسل به مکانیسم ترس از جمله دستاویزهای بسیار اساسی برای دولت‌مردان، احزاب سیاسی و گروه‌های فشار است. به بیان دیگر، ترس ممکن است به نیرومندترین عامل در گفتمان سیاسی تبدیل شود؛ زیرا مفهوم

← <http://www.yjc.ir/fa/news/6162667>

۱. ایروانیان، امیر، **نظریه عمومی سیاست‌گذاری جنایی**، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲، ص ۱۵۳.

۲. رابرتز، جولیان و دیگران، **عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی: درس‌هایی از پنج کشور**، برگردان زینب باقری نژاد و دیگران، تهران، میزان، ۱۳۹۲، ص ۲۸۹.

۳. نوبهار، رحیم، **حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷، ص ۲۰۲.



ترس مسیر را برای به کرسی نشاندن پیام‌های سیاسی هموار می‌کند و می‌توان مخالفان را با یادآوری مداوم خطر به قدرت رسیدن آنها با توسل به آن، از میدان کارزار سیاسی بیرون نمود.<sup>۱</sup> در مقابل احساس امنیت از نیازهای مهم افراد در زندگی اجتماعی است. حق داشتن امنیت دارای آن‌چنان اهمیتی است که دوشادوش حقوق بنیادینی چون حق حیات، جز نسل اول حقوق بشر محسوب می‌شود<sup>۲</sup> و نیاز به امنیت در همه زمینه‌ها، نیازی زیربنایی و دیرپاست. فلسفه وجودی دولت‌های مدرن هم ایجاد و تضمین امنیت ذکر شده است.<sup>۳</sup> برای بار نخست، میشل دومونتاین نویسنده فرانسوی در قرن شانزدهم اعلام کرد «چیزی که از آن می‌ترسم همان ترس است». از آن زمان فلاسفه، سیاستمداران، نویسندگان و کارشناسان با الهام از بیان وی، ترس را بزرگ‌ترین خطر دنیای مدرن و مهم‌ترین مانع آزادی دانسته‌اند که باید با تمام قوا با آن پیکار نمود.<sup>۴</sup> آزادی از ترس آن قدر اهمیت دارد که به‌عنوان یکی از آزادی‌های بنیادین در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، دوشادوش آزادی عقیده، بیان و نیاز آمده است. ترس به‌عنوان مکانیسمی برای تهدید و نقض حقوق و آزادی‌های بنیادین، از ریشه‌دارترین و نیرومندترین احساسات بشری است و احساسی شایع و رایج در میان افراد بشری است و نوعی احساس نگرانی و دل‌مشغولی است که از اندیشه مواجهه و رویاروی با خطرها و بداقبالی‌ها ناشی می‌شود. احساس ترس و ناامنی ممکن است ناشی از عوامل طبیعی یا تصنعی باشد. ترس از جرم یکی از موارد است. ترس از جرم نوعی اضطراب منطقی یا غیرمنطقی است که در نتیجه برداشت فرد از اینکه در معرض خطر بزه دیدگی است پدید می‌آید.<sup>۵</sup> خطر وقوع جرم همانند دیگر خطرهای جزئی انفکاک‌ناپذیر از زندگی روزمره انسان‌هاست و همین موضوع باعث می‌شود که ترس از جرم مسئله‌ای اجتناب‌ناپذیر در جوامع باشد.<sup>۶</sup> اگر احساس ترس از جرم از سطح و محدوده مشخص و معینی در فرد و جامعه فراتر رود، واکنش‌ها و نتایج غیرقابل‌پیش‌بینی را باعث می‌شود. تحقیقات نشانگر آن است که ترس از جرم

1. Svendsen, Lars, **A philosophy of fear**, Reaction Books Publisher London, 2008, p. 9.

2. Donnelly, Jack, Human Right in the new world order, world policy journal, Vol. 9, No. 2.1992, p. 25.

۳. هابز، توماس، **لویاتان**، برگردان حسین بشیریه، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۳.

4. Sidgwick, Henry, **The Elements of politics, London**; Macmillan, Reprint of 1897 edition by Macmillan, 2000, p. 41.

5. War & Mark, Fear of crime in the united states; Avenues For Research and policy, criminal justice, Vol.4.۲۰۰۰, p.453.

6. Garland, D, The Limits of the sovereign state, Strategies of Crime Control in Contemporary Society, The British Journal of Criminology, 36 (4). 1996, p. 451.

بسیار بیشتر از میزان واقعی جرائم در جامعه است و هیچ ارتباط منطقی بین میزان ترس از جرم و نرخ ارتکاب جرم وجود ندارد.<sup>۱</sup> برای مثال نرخ بزهکاری در سایر استان‌ها نسبت به استان خوزستان بیشتر بوده، ولی با این وصف، احساس ناامنی در خوزستان بیشتر از دیگر استان‌ها است و علت این موضوع مشخص نیست.<sup>۲</sup> حتی اعلامیه نهایی کنفرانس اروپایی و آمریکایی درباره امنیت و پیشگیری از بزهکاری در محیط شهری در مونترال کانادا در اکتبر ۱۹۸۹ م، ضمن اعلام ترس از جرم به‌عنوان مشکل واقعی شهروندان به‌ویژه زنان و سالخوردگان، عدم تناسب میزان این ترس را با سطح واقعی ناامنی را در بسیاری از موارد یادآور می‌شود،<sup>۳</sup> زیرا مبانی ترس از جرم، تک عاملی نبوده و فقط به افزایش نرخ بزهکاری ارتباط پیدا نمی‌کند. عوامل متعددی همانند جنسیت، سن، سابقه بزه دیدگی، محیط اجتماعی و طبیعی، رسانه و عملکرد نظام عدالت کیفری در میزان احساس ترس از جرم و ناامنی تأثیر به‌سزای دارند.<sup>۴</sup> سیاست‌مداران به‌خوبی به اهمیت و قدرت اثرگذاری ترس از جرم واقف بوده و از آن در پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند. دولت‌مردان در جهت اعمال سیاست‌های خود، ترس از جرم را مدیریت و هدایت می‌کنند. گاه میزان ارتکاب جرائمی چون اختلاس، ارتشاء، تخلفات گمرکی و مالیاتی- علی‌رغم نرخ بالای ارتکابشان- کم جلوه داده می‌شود تا دستان دولت‌مردان پاک و جامعه از این نظر ایمن جلوه داده شود. این رویکرد موجب انحراف افکار عمومی از جرائم یقه‌سفیدی به سمت جرائم خیابانی می‌شود. از طرف دیگر گاه این جرائم به شکلی افراطی بزرگ نشان داده و ترس از آن‌ها را افزایش می‌دهند تا این امر موجب توسل به برخوردهای سرکوبگر با مرتکبان این جرائم شود.<sup>۵</sup> ترس از جرم نقشی مهم در سوق دادن افکار عمومی به سمت رویکردهای سرکوبگرانه و افراطی نسبت به جرم دارد و رسانه‌ها نیز در این راستا اثرگذارند. درواقع ترس از جرم، تقاضای افراد برای کیفر مرتکبان را بالا می‌برد. آن‌ها می‌بندارند که مجازات سنگین می‌تواند عامل مهمی جهت پیشگیری و حذف پدیده جنایی باشد.<sup>۶</sup> بدین ترتیب خشم و ترس عمومی به‌عنوان عامل

۱. طاهری، سمانه، **سیاست کیفری سخت‌گیرانه**، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۹۲، ص ۹۲.

۲. پاک‌نهاد، امیر، «**احساس ناامنی و ترس از جرم**»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۶۰.

۳. کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن، «**جنبش‌های بازگشت به کیفر**»، مجله الهیات و حقوق، شماره ۱۶ - ۱۵، ۱۳۸۴، ص ۲۵۹.

۴. پاک‌نهاد، پیشین، ص ۱۶۵ - ۱۷۳.

۵. پاک‌نهاد، پیشین، ص ۱۶۱.

۶. نیکوکار، حمیدرضا و بهاره همت پور، **ترس از جرم**، تهران، میزان، ۱۳۹۱، صص ۷۷ - ۷۸.

توجیه‌کننده سیاست‌های سخت و عمدتاً غیر مؤثر بیان می‌شود و برخی مواقع نیروی محرکی برای تصویب چنین قوانینی را فراهم می‌کند.<sup>۱</sup> برای نمونه، در حوادث اسیدپاشی اصفهان در سال ۱۳۹۳، احساس ترس از جرم در بین اقشار مختلف جامعه به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر از جمله زنان به‌عنوان قربانیان اسیدپاشی شدت یافت. حساسیت ماجرا به قدری شدت یافت که مقامات عالی‌رتبه قضایی و غیر قضایی را وادار به عکس‌العمل کرد و به‌صورت مکرر از دستگیری و برخورد شدید نسبت به مرتکبان این جرم صحبت گردید.<sup>۲</sup> قوه قضاییه در این حادثه تلاش می‌کرد تا به‌سرعت و با اتخاذ تدابیر سخت‌گیرانه، واکنش مناسبی به افکار عمومی مهیج و آشفته بدهد و احساس امنیت از دست‌رفته را احیا نماید. جرم انگاری ممنوعیت حمل سلاح سرد<sup>۳</sup> نمونه بارز دیگری است که به دنبال حوادث جنایی همانند قتل میدان کاج تهران، قتل روح‌الله داداشی به‌عنوان قوی‌ترین مرد ایران با چاقو و حادثه نابینا شدن پرستار یاسوجی با پنجه‌بوکس، وارد مقررات کیفری ایران شد تا به احساس ناامنی حادث‌شده، پاسخ به‌اصطلاح مناسب دهد؛ بنابراین شناسایی و بررسی احساس ترس و ناامنی و اثرگذاری آن بر روند رسیدگی وقایع جنایی، موضوعی حیاتی در راستای نحوه رخنه و پیدایش عوام‌گرایی کیفری در دادرسی کیفری تلقی می‌شود تا از حاکمیت قضایی احساسی و صرفاً پلیسی جلوگیری کرد.

### ۱.۳. بازنمایی رسانه‌ای جرم

بازنمایی بدین معناست که چگونه جهان به لحاظ اجتماعی ساخته و برای ما و از طریق ما به شیوه‌ای معنادار بازنمایی می‌شود.<sup>۴</sup> از نظر استوارت هال، «بازنمایی تولید معنا از طریق زبان است». <sup>۵</sup> زبان و گفتمان هم‌زمان آشکارکننده و تحریف‌ساز واقعیت هستند. به بیان دیگر، بازنمایی،

۱. رابرتز و دیگران، پیشین، ص ۷۳.

۲. رک. سایت اینترنتی ذیل:

<http://www.khabaronlin/detail/381119>

۳. ممنوعیت حمل سلاح سرد تحت عنوان «الحاق دو تبصره به ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (تغزیرات ۱۳۷۵) در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

4. Representation

۵. بارکر، کریس، **مطالعات فرهنگی**، برگردان مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ۱۳۹۱، ص ۱۸.

6. hall, S. and Jhally, S. **representation & the media**, Northampton, MA; Media Education Foundation, 2007, p. 15.

نه انعکاس و بازتاب معنای پدیده‌ها در جهان خارج، بلکه تولید و ساخت معنا براساس چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است.<sup>۱</sup> یکی از نمودهای بازنمایی، برجسته‌سازی موضوعات توسط رسانه‌هاست. بازنمایی و برجسته‌سازی موضوعات، این آموزه را نشان می‌دهد که «رسانه‌ها واقعیت را منعکس نمی‌کنند بلکه واقعیت را دست‌کاری می‌کنند».<sup>۲</sup> بازنمایی حوادث توسط رسانه، سوای اخلاقی یا غیراخلاقی بودن آن، دارای جهت‌گیری ایدئولوژیک است و در راستای تضعیف و یا تثبیت قدرت و گفتمان ویژه‌ای گام برمی‌دارد<sup>۳</sup> و به این طریق در شکل‌گیری و یا جهت‌دهی به افکار عمومی تأثیر فراوانی دارد و ارتباطات امروزی بیشتر از طریق تعامل با واسطه صورت می‌گیرد و رسانه‌ها، واسطه این تعامل هستند. نقش رسانه در مورد مباحث مربوط به عدالت کیفری از زوایایی مختلف قابل توجه است. رسانه‌ها از چنان قابلیت بهره‌مند هستند که توانایی مهم یا کم‌اهمیت نشان دادن رویدادها را در ذهن مردم‌دارند و مباحث علوم جنایی هم به‌عنوان یکی رویداد مهم، از این تأثیر بی‌نصیب نیست؛ بنابراین رسانه‌ها در دنیای کنونی در فرایند تبهکاری و انعکاس وقایع جنایی از اهمیت فوق‌العاده برخوردارند. از نظر برخی، رسانه‌ها، آینه‌ای هستند که تصویر جامعه خود را منعکس می‌کنند. تصویری که تا حدودی تحریف‌شده است.<sup>۴</sup> رویکرد سوداگرانه رسانه‌های امروزی، پیامدهای همچون احساس ناامنی در مخاطب، ترویج بزهکاری و تشویق افراد مستعد به ارتکاب جرم در گرایش به بزه‌کاری را به ارمان می‌آورد.<sup>۵</sup> امروز به‌ندرت می‌توان گزارش جنایی را یافت که در آن علل و عوامل وقوع حادثه و راه‌های پیش‌گیری از آن مورد تحلیل‌های کارشناسی قرار گرفته باشد. در واقع رسانه‌ها با گرایش به توصیف رویدادهای جنایی و تکرار دائمی اخبار مربوط به آن، آگاهی‌های عمومی را در مورد جرم افزایش می‌دهند. این روش از لحاظ اطلاعات مربوط به جرم بسیار غنی و از نظر ایجاد بینش و درک نسبت به عوامل وقوع جرم و راه‌های کنترل آن بسیار فقیر است؛ بنابراین علاقه‌مندان به

۱. مهدی زاده، سید محمد، **رسانه‌ها و بازنمایی**، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۷، ص ۱۰.

۲. شاه، دونالد و مک کومبز مکسول، **کارکرد برجسته‌سازی در مطبوعات**، برگردان امید مسعودی، تهران، انتشارات خجسته، ۱۳۸۳، ص ۲۶.

3. Hall and Jhally, op. cit, p.32.

۴. مک کوایل، دنیس، **درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی**، برگردان پرویز اجلالی، چاپ دوم، تهران، دفتر مطالعات توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۵، ص ۸۴.

۵. کیا، علی اصغر و حسن علی مؤذن زادگان، «بررسی تطبیقی اخبار جنایی صفحه حوادث روزنامه‌های کشور تحلیل محتوی سه روزنامه ایران، همشهری و آفتابیزد در سال ۱۳۸۸»، مجله پژوهش حقوق عمومی، ۱۳۹۰، ص ۴۶.

اخبار جنایی در این روش با حجم بسیاری از حوادث و رسوایی‌های جنایی روبرو می‌شوند اما نمی‌توانند درک و تحلیل خود را از جرم توسعه دهند.<sup>۱</sup> البته تحریف واقعیت‌های حوادث جنایی از سوی رسانه‌ها، به این آشفتگی دامن بیشتری می‌زند. از آنجاکه رسانه یک منبع قدرت محسوب می‌شود. آن‌ها که رسانه‌ها را کنترل می‌کنند نفوذ قابل توجهی بر باورهای اجتماعی راجع به نوع و میزان جرم از یک سو و نحوه برخورد یا طرز نگاه به آن جرم یا بزه‌دیده و مرتکب آن و همین‌طور وسعت و کفایت پاسخ‌های رسمی به آن از سوی دیگر دارند.<sup>۲</sup> اصولاً هیچ پژوهشی درباره عوام‌گرایی کیفری، بدون بررسی تأثیرات رسانه‌ها بر روی مردم کامل نخواهد بود؛ زیرا رسانه‌ها در شکل‌گیری نوع نگرش مردم به جرم و عدالت، نقش محوری بازی می‌کنند<sup>۳</sup> و بدین‌علت، رسانه‌ها در القای این امر به مخاطبان خود که در مورد چه چیزی باید بیندیشند، موفق هستند.<sup>۴</sup> دورمن و شیاریلیدی، پوشش رسانه‌ای مسائل نوجوانان را مرور کرده و به این نتیجه رسیدند: «نسبتاً هر ساله تعداد معدودی از نوجوانان برای جرائم خشونت‌آمیز بازداشت می‌شوند اما پیام صادره از رسانه‌ها به نحوی است که گویا این امر یک واقعه رایج است.<sup>۵</sup> به تعبیر گارلند، رسانه‌ها ما را با تصاویری از جرم، تعقیب و مجازات احاطه کرده‌اند و برای ما هر روز حوادث منظمی را نشان می‌دهد که در آن احساس ترس، عصبانیت، آزرده‌گی و جذابیتی که جرم ایجاد می‌کند نقش بازی می‌کنند.»<sup>۶</sup> این بزرگ‌نمایی توأم با به‌کارگیری‌ها و غیرمتعارف است، برای مثال در آمریکا هرگز در دهه ۱۹۸۰ عبارت «متجاوز جنسی» در هیچ رسانه‌ای به کار نرفته بود ولی در سال ۱۹۹۵، ۹۲۴ داستان رسانه‌ای، این عبارت را استعمال کردند.<sup>۷</sup> طرح سیاست‌های «جنگ علیه جرم» و «جنگ علیه مواد مخدر» در اثر فشار رسانه‌ای اهمیت فراوان یافت. رسانه‌ها بیشتر استفاده‌کنندگان مواد مخدر به‌عنوان افراد فاسد، منحرف و بالقوه خشن جلوه می‌دهند به این ترتیب

۱. فرجی‌ها، محمد، «بازتاب رسانه‌ای جرم»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۸۵، ص ۷۱.

۲. جعفری، مجتبی، *جامعه‌شناسی حقوق کیفری، رویکرد انتقادی به حقوق کیفری*، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۹۲، صص ۱۳۹-۱۴۰.

۳. رابرتز و دیگران، پیشین، ص ۱۳۵.

4. Cohen, B. C, *The press and foreign policy*, Princeton, NJ; Princeton University Press, 1963, p. 13.

۵. رابرتز و دیگران، پیشین، ص ۱۹۳.

۶. همان، ص ۱۶۲.

۷. همان، ص ۲۸۹.

سیاستمداران و رسانه‌ها با یکدیگر شریک شده و می‌توانند بحرانی را ایجاد کنند که باید نسبت به آن پاسخ داده شود.<sup>۱</sup> امروزه رسانه‌های گروهی سعی می‌کنند با ارائه ماهیت کلیشه‌ای و خاص از افراد، سمت‌وسوی افکار عمومی را تغییر دهند و برای انحراف افکار عمومی از موضوعات متضاد با منافعشان، موضوعات جدیدی خلق می‌کنند که اهمیت موضوع قبلی را ندارد اما به علت نوع انعکاس آن، موضوع قبلی فراموش می‌شود و همه نگاه‌ها به موضوع جدید معطوف می‌شود.<sup>۲</sup> این موضوع به جریان‌سازی رسانه‌ای شهرت دارد که از طریق آن، مخاطب را با خود همراه می‌کنند و به‌نوعی تدبیری برای مدیریت افکار مخاطبان است. از این رو سیاستمداران با ابزار رسانه و طی یک اقدام هماهنگ و هدایت‌شده، افکار عمومی را منحرف و به صورتی که می‌خواهند شکل می‌دهند و موجب رخنه عوام‌گرایی کیفری در نظام عدالت کیفری می‌شوند. اصولاً جوهره عوام‌گرایی، اغراق در خطرناک جلوه دادن بزهکار به‌عنوان موجودی برخوردار از ماهیت بیگانه یا دچار احساس حالت بیگانگی است. برای نمونه، در ایالت نیوجرسی آمریکا و در پی رسانه‌ای شدن تجاوز جنسی و قتل دختری به نام مگان، قانون مگان (۱۹۹۶) تصویب شد<sup>۳</sup> یا پرونده دوترو در بلژیک که در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی، متهم به ارتکاب چندین جرم (تجاوز به کودکان، اخفا و قتل آنان) با همکاری افراد دیگر، به طرز فوق‌العاده‌ای رسانه‌ای شد و در سطح جهانی بازتاب داشت به طوری که خشم و نگرانی افکار عمومی را برانگیخت که تظاهرات گسترده‌ای در سرتاسر بلژیک را صورت داد. سرانجام این پرونده با محکومیت دوترو و معاونان او در جرائم ارتكابی از سوی دادگاه جنایی در سال ۲۰۰۴ میلادی خاتمه یافت.<sup>۴</sup> بازتاب گسترده حوادث جنایی در رسانه‌ها همراه با ادبیات نامتعارف همانند پرونده غلامرضا خوش‌رو در سال ۱۳۷۶،<sup>۵</sup> جنایت قیام دشت در سال ۱۳۸۸،<sup>۶</sup> قتل قوی‌ترین مرد ایران در سال ۱۳۹۰،<sup>۱</sup> حادثه خمینی‌شهر در سال

۱. همان، ص ۲۵۱.

۲. جعفری، پیشین، ص ۳۳۱.

۳. طاهری، پیشین، ص ۱۶۷.

۴. ر.ک. کاشفی اسماعیل زاده، حسن، ترجمه مقاله «کیفر و مدیریت خطرها»، مجله حقوقی دادگستری شماره ۴۸ - ۴۹، ۱۳۸۹، ص ۳۵۵ (توضیحات پاورقی).

۵. در این پرونده، اتهام قتل و تجاوز به ۹ زن مطرح بود و فرایند دادرسی آن در کمتر از دو ماه صورت گرفت و حکم اعدام در ملأعام در شهرک غرب (محل وقوع جرائم) اجرا شد. ر.ک. به نشانی اینترنتی ذیل:

<http://www.isna.ir/94052111847>

۶. در مورد واقعه تجاوز شش مرد به زنی در آبان ماه ۱۳۸۸.

۱۳۹۰، فساد بزرگ مالی (فساد سه هزارمیلیاردی) در سال ۱۳۹۰،<sup>۲</sup> مرد ژله‌ای در شیراز در سال ۱۳۹۵،<sup>۳</sup> قتل ستایش<sup>۴</sup> و قتل حنانه در سنقر کرمانشاه در سال ۱۳۹۵ و قتل آتنا اصلانی همه از تأثیرگذاری وسایل ارتباطی بر نظام عدالت کیفری دلالت دارد و در تعیین خطمشی و ریل‌گذاری و سرعت نامتعارف نظام عدالت کیفری در رسیدگی به پرونده‌ها سهم به سزای داشته است به گونه‌ای که در قریب به اتفاق پرونده‌های فوق، فرایند دادرسی شتاب‌زده و بسیار سریع و نامتعارف بوده و از طرفی حکم محکومیت‌ها هم به صورت علنی اجرا شده است که با مؤلفه‌ها و معیارهای سیاست‌گذاری جنایی انسانی و کارآمد همخوانی نداشته و بیشتر به نقش اعلامی و نمایشی سیاست‌گذاری جنایی توجه شده تا مرهم و مسکنی سطحی و موقت به فضای احساسی ساختگی توسط رسانه‌ها تزریق گردد و این فضای مهیج آرام شود. در مقابل می‌توان از رسانه به عنوان ابزار ارتباطی در راستای آگاه‌سازی مردم در مورد حقوق و آزادی فردی بهره‌برداری کرد و حقوق و آزادی‌های فردی را تنها خط قرمز مجریان و کنش‌گران نظام عدالت کیفری معرفی کرد تا احساس و خشم نتواند به سهولت حقوق و آزادی‌های افراد در معرض اتهام‌ها تهدید کند اما پیشی گرفتن سیاست‌گذاران و از آن مهم‌تر، نقش منفعل و فرمان‌پذیر نظام عدالت کیفری، کارکرد مطلوب رسانه‌ها در حوزه سیاست‌گذاری جنایی و به‌ویژه دادرسی کیفری را به بوت‌ه فراموشی سپرده یا دست‌کمبی‌اهمیت نموده است.

۱. پرونده قتل میدان کاج در آبان ماه ۱۳۸۹ و قتل پل مدیریت در ۱۵ تیرماه ۱۳۸۹ نیز نمونه‌های دیگر از همین سنخ هستند. ر.ک. به نشانی اینترنتی ذیل:

<http://www.tabnak.ir/140489>

<http://www.hamshahrionline.ir/details/145548>

۲. ر.ک. به نشانی اینترنتی ذیل:

<http://fa.m.wikipedia.org>

<http://www.tabnak.ir/fa/news/196463>

<http://www.fararu.com/fa/news/359651>

۳. این مرد با ورود شبانه به منازل دیگران، طعمه‌های خود را مورد آزار و اذیت قرار می‌داد و در نهایت به عنوان مفسد فی‌الارض به اعدام محکوم و این حکم در ملاًعام در شیراز در تاریخ ۱۶ خردادماه ۱۳۹۵ به اجرا درآمد. ر.ک. به نشانی اینترنتی ذیل:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=1395031600149>

<http://www.taranews.com/content.146229>

۴. ستایش دختر بیچه ۶ ساله افغانستانی مقیم ورامین که در ۲۱ فروردین‌ماه سال ۱۳۹۵ در ورامین ناپدید شد و به قتل رسید و پیکرش با اسید سوزانده شد. ر.ک. به نشانی اینترنتی ذیل:

<http://www.fararu.com/fa/news/269388>

#### ۱.۴. تضعیف دولت‌های رفاه

عدالت نخستین و مهم‌ترین معیار ارزیابی قوانین و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت‌هاست. احساس عدالت یکی از شاخص‌های اصلی رفاه اجتماعی است.<sup>۱</sup> از دیدگاه لیبرالیسم سنتی، دست دولت می‌بایست از اقتصاد کوتاه باشد و بیشتر به مسائل حاکمیتی و امنیت اشخاص پردازد و مانع پیشرفت سرمایه‌داران در حوزه اقتصاد نباشد. چنین تفکری با مرور زمان، فاصله طبقاتی زیادی میان سرمایه‌داران و طبقه متوسط جامعه ایجاد کرد و به‌نوعی در طول زمان، قدرت طبقه سرمایه‌داران را بر طبقه متوسط اقتصادی جامعه مستولی نمود و حاکمیت بورژوازی را پدید آورد.<sup>۲</sup> مسائل اقتصادی از نظر این تفکر، امری حاکمیتی محسوب نمی‌شد و ارتباطی به امنیت جامعه نداشت. مخالفان این دیدگاه بر این باور بودند عدم‌مداخله دولت در اقتصاد باعث چپاول ثروت جامعه از سوی قدرتمندان و ثروتمندان می‌شود و قشر ضعیف جامعه تحت سیطره و اقتدار سرمایه‌داران قرار خواهند گرفت که درنهایت منجر به بی‌عدالتی اقتصادی می‌شود. این نهضت فکری کم‌کم باعث مداخله دولت در حوزه اقتصاد شد و با کنترل و مداخله مستقیم در بازار، سرمایه و منابع اصلی درید دولت قرار گرفت و آن را بر اساس ضابطه مساوات اقتصادی میان افراد جامعه توزیع می‌نمود تا مانع گسترش شکاف طبقاتی اقتصادی شود<sup>۳</sup> و این نهضت فکری در اواخر قرن بیستم منجر به شکل‌گیری دولت‌های رفاه شد. دولت رفاه به معنای وجود سیاست‌های سنجیده و هوشمندانه‌ای در زمینه تأمین دست‌کم حداقل استاندارد زندگی برای همه و ارتقای برابری در فرصت‌های زندگی است و در آن هیچ‌شکی در مورد ضرورت تمرکز کامل همه نهادهای رسمی بر تأمین خدمات همگانی وجود ندارد.<sup>۴</sup> ایده دولت رفاه، محرومیت‌زدایی بود، همان محرومیتی که در فرهنگ نانوشته عدالت کیفری، نتیجه ارتکاب جرم تلقی شده و مناطق محروم به مناطق هدف برای مداخله نهادهای عدالت کیفری و اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه کیفری تبدیل می‌شوند.<sup>۵</sup> آمارهای مربوط به کشورهای غربی نشانگر آن است که قریب به ۳۵

۱. هزارجریبی، جعفر، «بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، مطالعه موردی شهر تهران، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۳، ۱۳۹۰، ص ۴۲.

۲. شاپیرو، جان، **لیبرالیسم، معنا و تاریخ آن**، برگردان محمد کاشانی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۱، صص ۲۷-۴۴.

3. Hollander, J. H., **Economic liberalism**, literary, licensing, 2012, p.45 - 49.

4. Barr, N., **Economics of the welfare state**, Oxford University Press, 2011, p.82- 83.

5. cook, Dee, **criminal and social justice**, pine forge press, 2006, p. 16.



درصد مخاطبان بر این باور بودند که مناطق محروم شهرها بیش از آنکه تسهیلات رفاهی دریافت کنند در مرکز تدابیر کنترلی پلیس قراردارند.<sup>۱</sup> این مناطق کمتر بهره‌مند از امکانات رفاهی، لقب مناطق جرم‌زا و جرم خیز را به خود گرفته و به کانون اصلی اعمال قدرت و کنترل تبدیل می‌شوند به گونه‌ای که آمار مداخلات کیفری در آنها افزایش و به الگوی برای انجام اقدامات بیشتر تبدیل می‌شوند. لذا به رسمیت شناختن توأم با احترام آحاد شهروندان جامعه به انضمام اصل بازتوزیع، اصلی‌ترین پیش‌شرط برقراری عدالت اجتماعی و کیفری محسوب می‌شود.<sup>۲</sup> دولت رفاه خود را متولی تأمین سعادت شهروندانش می‌داند و بزهکار را شهروند و نه بیگانه محسوب می‌کند. از این رو مدل بازپروری و سیاست اصلاح و درمان منطبق با مبانی و کارکردهای دولت رفاه است. در واقع نظریه دولت رفاه و سازوکارهای آن، چارچوب مناسبی برای اجرای برنامه‌های بازپروری فراهم می‌کند.<sup>۳</sup> همین نگرش از نفوذ و گسترش سیاست‌های عوام‌گرایانه در نظام عدالت کیفری جلوگیری می‌کند و نگاه بیمارگونه به مجرم دارد و به دنبال درمان اوست. مدل فراگیر و جامع شمول امکانات دولت رفاه، سطح بالایی از ثبات و امنیت را به ارمغان می‌آورد و به دولت امکان می‌دهد تا در دوران تغییرات چشمگیر اجتماعی به‌عنوان جاذب شوک عمل کند بدون آنکه بدگمانی و بی‌اعتمادی که احياناً در شرایط دیگر ایجاد می‌شود پدید آید. برای مثال، فنلاند در اوایل دهه ۱۹۹۰ به رکورد سنگینی دچار شد و نرخ بیکاری به ۲۰ درصد رسید اما این امر هیچ تأثیری بر سطح بی‌نظمی نداشت، هیچ‌گونه ناراضی‌مردمی علیه دولت ایجاد نگردید و نرخ حبس افزایش نیافت.<sup>۴</sup> دولت رفاه با آغاز بحران‌های اقتصادی، خصوصاً دهه ۱۹۷۰ که افزایش بیکاری و فشارهای پولی و تورمی در امریکا و اروپا را به دنبال داشت، دچار افول شد.<sup>۵</sup> این افول باعث تغییر نگرش و رویکرد نظام عدالت کیفری دولت‌ها شد به گونه‌ای که باور بر این شد که مجرم از طریق انتخاب عقلانی و محاسبه هزینه-فایده عمل مجرمانه را مرتکب شده است و آسیب و محرومیت‌های اجتماعی در این موضوع بی‌تأثیر بوده است، لذا نباید

1. Terrill, Richard, j, World criminal justice systems; A comparative survey, newness, 2012, p. 113.

2. Lister, ruth, poverty, cambridge, polity press, 2004, p. 188.

۳. طاهری، پیشین، ص ۶۸.

۴. پرت، جان، عوام‌گرایی کیفری، بسترها، عوامل و آثار، برگردان هانیه هژبرالساداتی، تهران، میزان، ۱۳۹۲، ص ۱۸۲.

5. Deakin, N, Welfare and the state; Crisis of the welfare state Taylor and Francis, 2004, p. 125 - 126

برای این افراد هزینه‌ای از طرف دولت و جامعه پرداخت شود. از طرف دیگر، سیاستمداران برای انحراف ذهن مردم از سیاست‌های ناموفق خود، انگشت اتهام ناکارآمدی را به سوی عامل دیگری جلب می‌کنند و از نظر آنان، متهمان و مجرمان بهترین گزینه در این مورد هستند تا با اتخاذ سیاست‌های سخت کیفری در مقابل آنان و به نام پاسخ‌گویی به نگرانی‌های عمومی، در صدد ارتقا و بهبود نظام حاکم‌برآیند. در واقع، به دنبال شکست دولت رفاه و وقوع بحران‌های اقتصادی، سیاست‌های عدالت کیفری و مبانی و اهداف آن نیز، دچار تحول شد. نوع نگرش مردم به مجرم و نوع واکنش مناسب به آن تغییر کرد. در نهایت همگام با تسلط دیدگاه‌های نیولیبرال در عرصه سیاست‌گذاری اقتصادی، کیفر نیز از اهداف اصلاحی خود دور شد و به‌عنوان ابزاری کنترل‌کننده و سرکوبگر تبدیل شد.<sup>۱</sup> در دهه ۱۹۷۰، ویلی برانت سیاستمدار آلمانی بارها توجه ما را به این نکته جلب کرد که نابرابری وحشتناک اقتصادی و فاصله عمیقی که میان دارا و ندارها وجود دارد به شدت دنیا را تهدید می‌کند. وی پیش‌بینی نمود که اگر ما نتوانیم یک نظام نوین اقتصادی عادلانه در دنیا برقرار کنیم، آتش خشونت شعله‌ور خواهد شد. همان خشونتی که اکنون در قالب تروریسم رشد و نمو یافته است.<sup>۲</sup> تضعیف و تحلیل دولت رفاه و رشد و نمو خشونت ناشی از این وضعیت، بستر و زمینه‌ای مناسب را برای اتخاذ و اجرای سیاست‌های عوام‌گرایی در نظام عدالت کیفری فراهم نمود تا سیاست‌گذاران هم خود را به‌عنوان عامل پاسخ‌گویی به مردم و هم مجرمان را به‌عنوان تنها عاملان ناکامی جامعه معرفی کنند تا تردیدی در برخورد شدید با آنان وجود نداشته باشد. در ایران در پی بحران‌های اقتصادی سال‌های قبل، قانون‌گذاری‌های کیفری سخت‌گیرانه عامه‌پسند برای جرائم اقتصادی صورت گرفت.<sup>۳</sup> برای نمونه، می‌توان به تشهیر رسانه‌ای مجرمان اقتصادی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره کرد.<sup>۴</sup> تشهیر رسانه‌ای، نوعی آگاه‌سازی اجتماع و بدنام‌سازی مجرم است که در آن، خصلت و ویژگی

۱. طاهری، پیشین، ص ۶۵

۲. قادری کنگاوری، روح‌الله، مبانی و چارچوب‌های نظری در جهان معاصر در؛ تروریسم و مقابله با آن، چاپ اول، نشر مجمع جهانی صلح اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۳.

۳. ر.ک. فرجی‌ها، محمد و محمدباقر مقدسی، پاسخ‌های عوام‌گرایانه به مفاسد اقتصادی، دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، بنیاد حقوقی میزان، بهار ۱۳۹۲، صص ۱۱۷۵ - ۱۱۹۳.

۴. تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی انتشار حکم محکومیت قطعی جرائم اقتصادی و مالی چندی با حدنصاب مشخصی را الزامی کرده است.

انتقام‌گیری عاری از عقلانیت برجسته است که با حرمت و کرامت ذاتی انسان در تنافی آشکار است. اصولاً فرایند دادرسی مربوط به این پرونده‌ها هم با اتخاذ رویکرد تک عاملی به جرم و غفلت از سایر عوامل مؤثر و مهم در ارتکاب این جرائم همراه بوده است. در این وضعیت، به حقوق کیفری به‌عنوان حلال مشکلات جامعه نگریسته می‌شود و سعی می‌شود از طریق برخورد سخت و سریع با مجرمان، اعتماد مردم حفظ گردد. لذا در صورت وجود دولت رفاهی و برقراری نظام نوین عادلانه اقتصادی و رعایت اصل توزیع منصفانه ثروت و امکانات، جولانگاهی برای رخنه و پیدایش عوام‌گرایی در دادرسی کیفری مهیا نمی‌شود.

## ۲. بسترهای درون سیستمی

بسترهای درون سیستمی، به خود نظام عدالت کیفری ارتباط پیدا می‌کند. به تعبیر دیگر، نظام عدالت کیفری خواسته یا ناخواسته از طریق به‌کارگیری بسترهای درون نظامی خود در جهت ناصواب و نامطلوب، یار و حامی بی‌چون‌وچرای بسترهای برون سیستمی شده است تا در پیدایش و اجرای نگرش‌های عوام‌گرایی در دادرسی کیفری سهیم بوده باشد و در کمال ناباوری و به‌عوض مبارزه و ممانعت از پیدایش و اجرای این رهیافت نامطلوب، حامی این رویکرد شده است. هرچند استفاده از کارکرد مطلوب بسترهای درون سیستمی، می‌تواند سد راه و مانع اصلی پیدایش عوام‌گرایی در دادرسی کیفری باشد. بسترهای اساسی درون سیستمی شامل «مدیریت گرای در نظام عدالت کیفری»، «بی‌اعتنایی به رویکرد اصلاح و درمان»، «واقع‌گرایی حقوقی» و «بی‌اعتمادی به نظام عدالت کیفری» است.

### ۲.۱. مدیریت گرای در نظام عدالت کیفری

در سال‌های اخیر نگرشی تازه‌ای را در حوزه علوم جنایی شاهد هستیم که ماهیت آنها کاملاً مدیریتی است. دیدگاه‌های تازه که به‌جای بحث از تجزیه و تحلیل جرم و علل تحقق آن، با رویکردی مدیریتی، خطر ارتکاب جرم را همانند دیگر خطرهای حوزه اقتصادی، بیمه و ... مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد و آنگاه مدیریت می‌کند.<sup>۱</sup> گارلند معتقد است که اهمیت کنونی

1. Mclaughlin, Eugene and Muncie, John, The Sage Dictionary of Criminology, Sage Publications, 2001, p. 251.

مدیریت‌گرایی می‌تواند از رهگذر پویایی و توسعه‌سازمانی عدالت کیفری و امکانات جدید کنترل که فناوری‌های اطلاعاتی و رایانه‌ای فراهم نموده‌اند بهتر درک و تبیین شود.<sup>۱</sup> این فرایند به‌عنوان راه‌حل خروج از بحران سازمان‌های بخش دولتی، ابتدا در کشورهای نظیر انگلستان و آمریکا و پس‌از آن در سایر کشورها از جمله ایران مورد اقبال دولت‌مردان و سیاست‌گذاران قرار گرفت و هرچند اندکی پس از سایر بخش‌های دولتی به نظام عدالت کیفری نیز نفوذ کرد،<sup>۲</sup> زیرا نظام عدالت کیفری برخلاف سایر بخش‌های دولتی و بنا به دلایلی مانند تمرکزگرایی و تخصص‌گرایی در مقابل این جریان مقاومت می‌کرد.<sup>۳</sup> به تدریج و با تشدید فشارهای ناشی از وقفه و انسداد به دلیل عدم توفیق نظام‌های قضایی در کنترل جرم و جلب اعتماد عمومی، افزایش آمار جرم و ترس از جرم، اطاله دادرسی، هزینه‌های غیرمستعارف رسیدگی‌های کیفری و ... الگوی مدیریت‌گرایی بر نظام عدالت کیفری حاکم گردید.<sup>۴</sup> مفهوم مدیریت‌گرایی به روش‌های اشاره دارد که نظام عدالت کیفری را کارآمدتر و مفیدتر می‌سازد و در برابر عموم پاسخ‌گوتر می‌نماید تا به‌زعم خود از منابع مادی و انسانی استفاده بهینه نماید. این رهیافت ناشی از افول ایده «اصلاح و درمان» و احیای «ناتوان‌سازی» با تغییر نگرش نسبت به افراد فرودست جامعه همراه بوده است.<sup>۵</sup> به‌زعم برخی، راهبرد مدیریت‌گرایی، ابزاری مفید و مناسب برای دستیابی به اهداف عالی عدالت است به‌نحوی که آن ابزار و وسیله‌ای برای عقلانی‌سازی عدالت با اتکا به اصول مدیریت و اقتصاد در اداره دادگاه‌ها توصیف می‌کنند.<sup>۶</sup> رویکرد مدیریت‌گرایی، رویکردهای کم‌هزینه و زودبازده را جایگزین رویکردهای هزینه‌بر و زمان‌بر و دیربازده می‌نماید و به همین روی، نظام عدالت کیفری، کارایی و اثربخشی اقدامات خود را در طرح‌های ضربتی، آمار بالای پرونده‌های کیفری و سرعت در دادرسی و افزایش شمار مجرمان به دام افتاده، خلاصه می‌کند تا از طریق

۱. ماری، فلیپ، «کیفر و مدیریت خطر، به سوی عدالتی محاسبه‌گر در اروپا»، برگردان حسن کاشفی اسماعیل‌زاده، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۳۵۳.

۲. فرجی‌ها، محمد و راضیه قاسمی کهریز سنگی، «چالش عدالت و کارایی در نظام عدالت کیفری در گفتمان مدیریت‌گرایی کیفری»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۹، ۱۳۹۴، ص ۳۱.

3. Freiberg, Arie, Managenalism in Australian Criminal justice, RIP for KPIS, Monash University Law Review, Vol. 39, No.19, 2004, p. 12.

۴. فرجی‌ها و قاسمی کهریز سنگی، پیشین، ص ۳۱.

۵. پاک‌نهاد، امیر، **سیاست جنایی ریسک‌مدار**، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۸، ص ۱۱۷.

6. Brown, Darryl K, The reverse effects of efficiency in criminal process, Virginia Law Review, Vol. 100 No.183.2014, p. 114.

کمیت و آمار عملکرد خود را مطلوب و مناسب جلوه دهد. نظام عدالت کیفری مبتنی بر این رویکرد، به یک نهاد اقتصادگرا تبدیل شده و اولویت اصلی آن، اداره مؤثر و کارآمد این نظام است. گزارش‌های مبتنی بر شیوه‌های مدیریتی نهادهای عدالت کیفری سرشار از صورت‌انگاشت‌ها، نمودارها، ارزیابی‌های فنی و مقیاس‌های اثربخشی است اما در عمل فقط حاوی مطالب کمی و آمار است.<sup>۱</sup> به بیان دیگر، عدالت کیفری مک‌دونالدی مطرح می‌شود که حاوی عناصری و ویژگی‌های همانند کارایی، قابلیت محاسبه و پیش‌بینی، کنترل و غیرعقلانی بودن است. در عدالت کیفری مک‌دونالدی تأکید بر کمیت به جای کیفیت است و اجرای مونتازگونه قوانین و مقررات با حقوق و آزادی‌های افراد قابل جمع نیست.<sup>۲</sup> در ایران، طرح‌های ضربتی نیروی انتظامی در مواردی همانند طرح عفاف و حجاب، دستگیری فروشندگان مواد مخدر و زور‌گیران و نیز پیش‌بینی و صدور تصویب‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در دستگاه قضایی مبنی بر تعیین کف و حداقل تعداد پرونده‌های رسیدگی شده ماهانه برای شعبه‌های کیفری اعم از دادسرا و دادگاه کیفری و تعیین بهره‌وری برای قضاتی که مازاد بر این کف در ماه، پرونده‌های را به نتیجه و سرانجام رسانده‌اند،<sup>۳</sup> همه در راستای رویکرد مدیریت‌گرایی و اهمیت نگرش کمی به عوض کیفیت رسیدگی است. حاکمیت چنین گفتمانی در فرایند دادرسی کیفری، تنها عامل موفقیت خود را در داشتن درصد بالایی از بزهکاران می‌بیند و هدف آن، مدیریت کمی بزهکاران است تا از طریق سرعت بخشی به فرایند دادرسی، به این مهم دست یابد. این گفتمان با توجه سرعت و برخورد آن، مورد اقبال عامه مردم قرار می‌گیرد. لذا این موضوع، بستر و زمینه مناسبی را برای ظهور عوام‌گرایی کیفری در حوزه دادرسی کیفری مهیا می‌کند و فرایند کنترل جرم همسو با سیاست‌های عامه‌پسند می‌شود و بدین شیوه از به‌کارگیری آموزه‌های کارشناسی و علمی در دادرسی کیفری چشم‌پوشی می‌شود.

۱. پرت، پیشین، ص ۱۵۲ به بعد.

۲. بوم، روبرت، مک‌دونالدی کردن عدالت کیفری، برگردان حسین غلامی و یوسف بابایی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۰، ۱۳۸۹، صص ۱۵۳ - ۱۸۵.

۳. برای مثال، دستورالعمل فوق‌العاده بهره‌وری قضایی موضوع تصویب‌نامه ۲۶۰۸۷/ت / ۱۰۷۲۱ مورخ ۸۱/۴/۴.

## ۲.۲. بی‌اعتنایی به رویکرد اصلاح و درمان

جرم‌شناسی علمی که با مکتب تحقیقی متولد شد با بهره‌گیری از مدل بالینی سعی در شناخت علل جرم و اصلاح مجرم داشت. بازدهی دیر هنگام تدابیر اصلاحی و درمانی توأم با هزینه‌های فراوان آن، کارایی جنبش اصلاح و درمان را به شدت زیر سؤال برد.<sup>۱</sup> هرگونه برنامه اصلاحی در مورد بزه‌کاران مبتنی بر این پیش‌فرض است که می‌توان با استفاده از علوم بشری بزهکاران را به افرادی هنجارمند تغییر داد. تا اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی، ایدئولوژی حرفه‌ای جرم‌شناسان بر اساس این آرمان پایه‌ریزی شده بود که برنامه‌های اصلاحی درمانی می‌توانند در جهت بازپروری بزهکاران مؤثر باشند. در سال ۱۹۷۴ مارتینسون با انتشار مقاله‌ای، این ایدئولوژی را به ایدئولوژی «هیچ چیز مؤثر نیست» تغییر داد.<sup>۲</sup> پس از او، گادفردسون در مقاله‌ای با عنوان «راهکارهای مخرب درمان» به فرایند تخریب دانش اصلاح و درمان دامن زد. از نظر وی دانش اصلاح و درمان هیچ تأثیر قابل توجهی بر کاهش میزان بزهکاری نداشته است.<sup>۳</sup> اشکال جدید و نوین بزهکاری و سازمان‌یافتگی آن، سرآغازی برای اتخاذ بی‌سابقه تدابیر سخت‌گیرانه و سرکوبگرانه شد که در لوای شعار کارزار با اقدامات تروریستی و جرائم سازمان‌یافته تحقق می‌یافت. این تدابیر نشانه افول فلسفه بازپروری و بازگشت قوی به افزایش سخت‌گیری کیفری نسبت به بزهکاران مزمن به جای منطق اصلاح و پیشگیری است.<sup>۴</sup> بی‌ثمری ظاهری اقدامات اصلاحی، بهانه‌ای مناسب برای استفاده از کیفرهای شدیدتر بود.<sup>۵</sup> در این رویکرد، مجرم قابل اصلاح و بازپروری نیست و امیدی به بازگشت وی به جامعه نیست و به دلیل اولویت دغدغه تأمین امنیت جامعه بر سایر اهداف، مجرم دشمن جامعه و بیگانه محسوب می‌شود. لذا فلسفه غالب ضمانت اجرای کیفری از اصلاح و بازپروری به کارکرد ناتوان‌سازی تغییر می‌یابد. برای نمونه، در کارکرد کیفر

۱. طاهری، پیشین، ص ۷۷.

۲. هالووی، پیشین، ص ۶۵.

۳. قاسمی مقدم، حسن، «رویکرد مدیریت خطر و پیش‌گیری از تکرار جرم»، به کوشش گروهی از اساتید، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیش‌گیری از تکرار جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۸، ص ۲۰۱.

۴. ابراهیمی، شهرام، «ارزیابی تحولات اخیر سیاست کیفری در قبال بزهکاران مزمن در پرتو موازین حقوق بشر (از مراقبت و تنبیه تا تنبیه و مراقبت)»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم، پیشگیری از تکرار جرم و بزه‌دیدگی با تأکید بر نقش پلیس، ۱۳۸۸، ص ۲۴.

۵. ایروانیان، پیشین، ص ۱۶۲.

حبس، تغییر مهمی ایجاد می‌شود به گونه‌ای که زندان که در اندیشه اصلاح و درمان، «درمانگاه مجرمین» و محل اجرای برنامه‌های بازپروری بود در نگاه نوین تبدیل به زباله‌دان اجتماعی یا محلی برای انباشت توده‌های مجرمین پرخطر می‌شود.<sup>۱</sup> به بیان دیگر، طی دو دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی، دولت‌ها از بازپروری به سوی پیشگیری اولیه از جرم و بازدارندگی تغییر جهت دادند.<sup>۲</sup> جرم‌انگاری‌های قانونی (رسمی) متعدد و مبتنی بر وقایع و حوادث مجرمانه و افزون بر آن، جرم‌انگاری‌های غیررسمی (اجرایی) و ممنوعیت تسری تأسیسات ارفاقی به برخی جرائم و مجرمان و توصیف‌های مجرمانه سنگین قضایی از برخی از اعمال مجرمانه افراد، همه بر تفکر بی‌اعتنایی به رویکرد اصلاح و درمان دلالت دارد. برای نمونه، جرم‌انگاری «افساد فی الارض» به صورت مجزا و مستقل از «محاربه» در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قابل تأمل است. تعریف بسیار گسترده و تسری آن به جرائم علیه تمامیت جسمانی و معنوی، جرائم مالی و اقتصادی و جرائم علیه اخلاق و عفت عمومی و استعمال قیودی کلی و مبهم نظیر گسترده، شدید، عمده و وسیع برای بیان کیفیت وقوع آن جرائم و پیامدهای آن‌ها، موجب می‌شود قضات در تفسیر آن، از اختیارات فراوانی برخوردار باشند. در واقع این موضوع در برهه زمانی حاکمیت فضایی احساسی و ملتهب بر رخدادهای جنایی می‌تواند قلمرو این ماده را در اثر تفسیر قضایی، بر آن رخداد جنایی بگستراند. توصیف رفتار مجرمانه مرد ژله‌ای در شیراز در سال ۱۳۹۵ در قالب و عنوان «مفسد فی الارض» و محکومیت وی به اعدام نمونه بارزی است که تحت تأثیر فضای حاکم بر پرونده و بر مبنای استنباط از ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، صورت گرفته است. بدین سان نظام عدالت کیفری همگام با دولت‌مردان، نسبت به به کارگیری یافته‌های اصلاح و درمان بی‌اعتنا و رویکرد سخت‌گیرانه را در قبال مجرمان در دستور کار قرار داده است. ویژگی اغراق گونه سیاست‌هایی عوام‌گرایی کیفری باعث می‌شود که سیاست‌گذاران پا را فراتر گذاشته و

۱. پاک‌نهاد، ۱۳۸۸، پیشین، ص ۲۲.

۲. ایروانیان، پیشین، ص ۱۶۲.

۳. ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر کس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌شود».

مجریان عدالت کیفری را نیز به حمایت و پشتیبانی از مجرمان و در نتیجه ایجاد ناامنی در جامعه متهم کنند. به عقیده عوام‌گرایان، این گروه نگرانی‌های مردم نسبت به جرم را جدی نمی‌گیرند و با سیاستمدارانی که به دنبال تأمین منافع شهروندان و بزه دیدگان‌اند، همکاری نمی‌کنند.<sup>۱</sup> قضات، وکلای دادگستری، فعالان حقوق بشر و حقوقدانان مدافع رعایت اصول و موازین دادرسی عادلانه بیشتر از همه در معرض تهاجم عوام‌گرایی کیفری قرار دارند. در گفتمان عوام‌گرایی، هر نوع مخالفت با سیاست‌های سخت‌گیرانه و عوام‌گرا، نوعی مقابله با حقوق مردم تلقی شده، با سانسور و تخطئه روبرو می‌شود.<sup>۲</sup> در پرونده غلامرضا خوش‌رو (متهم به تجاوز و قتل ۹ زن)، دفاعیات وکیل وی قابل تأمل است. وکیل این متهم در جلسه دادرسی اظهار می‌دارد «هرچند متهم به ظاهر انسان است اما سیرت و باطن او از هر حیوانی پست‌تر است» و حتی وی اعلام می‌کند که «وکیل متهم نیست بلکه مدعی‌العموم است».<sup>۳</sup> همچنین این وکیل در پاسخ به این سؤال که «چرا از موکلت (متهم) دفاع نکردی؟» اعلام نمود: «درست است که متهم در معرض اتهام بود ولی چون جرائم او ثابت شده بود و عقلای مردم او را مستوجب ملامت می‌دانستند، همان‌طور که در جلسه دادگاه شاهد بودیم توده مردم او را مستوجب سرزنش می‌دانستند».<sup>۴</sup> همچنین می‌توان به تصمیم دادگاه در مورد محکومیت به قصاص در پرونده قاتل ستایش اشاره کرد که در آن به توقعات آحاد جامعه و اذهان عمومی در تأیید تصمیم‌گیرسخت خود استناد کرده است.<sup>۵</sup> همگرایی و همسو شدن نظام عدالت کیفری با فضای ملت‌هت‌حاکم باعث اتخاذ تصمیم‌های قضایی سخت و رویگردانی از رویکرد اصلاح و درمان می‌شود؛ بنابراین ترس از

۱. مقدسی، محمدباقر و فرجی‌ها، محمد، «ویژگی‌های سیاست‌های کیفری عوام‌گرا؛ مطالعه تطبیقی»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۴، ۱۳۹۲، شماره ۲، ص ۱۵۱.

۲. همان.

۳. روزنامه همشهری شماره ۱۳۶۷، ۱۳۸۶/۵/۹ و نیز سایت اینترنتی ذیل:

<http://www.isna.ir/news/94052111847>

۴. مجله حقوق و اجتماع، سال اول، شماره ۲، ۱۳۸۶.

۵. فرح‌بخش، مجتبی، «رشد و کمال عقل در آیین هرویه قضایی (نقد رأی پرونده ستایش)»، دو فصلنامه روبه قضایی حقوق کیفری، سال اول، ۱۳۹۵، شماره ۲، ص ۴۱.

ستایش دختر خردسال افغانی (شش‌ساله) در فروردین ماه سال ۱۳۹۵، توسط پسر نوجوانی در ورامین به قتل می‌رسد. برای آگاهی بیشتر، ر.ک. سایت اینترنتی ذیل:

<http://www.tabnak.ir/586146>.



قرارگیری در جبهه مقابل مردم و متهم نشدن به وصف «دشمن اجتماع»، دادرسی کیفری را وادار به حمایت و پشتیبانی از عوام‌گرایی کیفری می‌نماید و بدین علت بی‌اعتنایی نظام عدالت کیفری نسبت به یافته‌های رویکرد اصلاح و درمان‌را موجب می‌شود. حال آنکه موازین دادرسی عادلانه، قابل معامله نیست و نمی‌توان از آن‌ها عبور کرد. به سخن دیگر، نقطه آغاز دادرسی کیفری، اهمیت حقوق و آزادی‌های فردی است، لذا مصلحت فرد را نمی‌توان قربانی مصلحت جامعه کرد. همچنین اصل وحدت فضایل اخلاقی اقتضا دارد که دادرسی کیفری در مقابل اضطراب و خشم مردم، شجاعت داشته باشد تا دنباله‌رو خشم و اضطراب واقعی یا تصنعی نباشد و تصمیم‌گیری قضایی وی به این موارد آلوده نگردد. کارایی نظام عدالت کیفری برای پاسداشت ارزش‌ها با ترازوی شدت برخورد کیفری و توسعه آن سنجیده نمی‌شود بلکه در ضرورت مداخله کیفری و امکان‌پذیری و سنجش آن خواهد بود.

### ۲.۳. واقع‌گرایی حقوقی

نظریه واقع‌گرایی در حقوق ایران در اوایل قرن بیستم در حقوق امریکا شکل گرفت. این نظریه واکنشی نسبت به جریان شکل‌گرایی و صورت‌گرایی حقوق بود.<sup>۱</sup> طبق آموزه‌های صورت‌گرایی، علم حقوق منحصر به شناسایی قواعدی است که از بررسی و تحلیل آرا دادگاه‌های عالی استخراج می‌شود و حقوق نیز چیزی جز اجرای این قواعد کلی ثابت و معین بر مصادیق عینی خارجی نیست.<sup>۲</sup> از دیدگاه صورت‌گرایی، قاضی ایجادکننده حقوق نیست بلکه حقوق را تفسیر و اجرا می‌کند. قاضی از درون سیستم حقوقی و بر اساس تجارب متکی بر قواعد حاکم بر جامعه عمل می‌کند و خود واضح حقوق نیست و سیاست حقوقی و قضایی در جامعه ایجاد نمی‌کند.<sup>۳</sup> صورت‌گرایی پیوندهای حقوق با سایر علوم اجتماعی را نادیده می‌گیرد و حقوق از این دیدگاه در قالب قواعد مجرد خلاصه می‌شود به گونه‌ای که ابتکار حقوقدان و قاضی در آن به حداقل می‌رسد و رجوع به اخلاق، شرایط اجتماعی، اقتصادی، ایدئولوژی و دیگر مسائل خارج از

۱. بابایی، ایرج، «هبانی نظری رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۳، ۱۳۸۶، ص ۱۸؛ جعفری، پیشین، ص ۴۹.

۲. بابایی، پیشین، ص ۱۹.

3. Posner, Richard A, **Reflection on Judging**, Cambridge, Massachusetts, London, England, 2013, p. 108

۴. بابایی، پیشین، ص ۲۰.

قواعد حقوق، محل و جایگاهی ندارد. مخالفت با مکتب صورت‌گرایی حقوق از اواخر قرن نوزدهم در آمریکا شروع شد. قضات توانایی همچون هولمز و پوند رئیس دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد، ایرادات اساسی به نظریه صورت‌گرایی حقوق وارد کردند.<sup>۱</sup> از دیدگاه هولمز، حقوق بیانگر منافع و مصالح حاکم بر جامعه است. او حقوق را وسیله دستیابی به اهداف اجتماعی می‌داند و معتقد است شناخت شرایط اجتماعی لازمه فهم حقوق است و قضات باید به جنبه‌های تاریخی، اجتماعی و اقتصادی حقوق آگاهی داشته باشند لذا شخصیت قاضی، مصلحت سنجی‌های وی، مشکلات اجتماعی در یک مورد خاص و امکان فساد قاضی عوامل پیچیده‌ای هستند که به نوبه خود بر نحوه تصمیم‌گیری قاضی تأثیر می‌گذارند.<sup>۲</sup> تصمیم‌گیریه وسیله قضات، قانون توجه واقع‌گرایی حقوقی است در حالی که نظریه پرداز حقوق طبیعی، قاضی را صرفاً ناقل حقوق می‌داند. واقع‌گرا قاضی را خالق حقوق و در نتیجه نخستین ذی‌نفع آن می‌داند. قانون صرفاً آن نیست که قانون‌گذاران وضع می‌کنند زیرا قضات می‌توانند قوانین مصوب را در عمل بی‌خاصیت سازند.<sup>۳</sup> طرفداران این مکتب همواره بر تمایز بین قواعد حقوقی واقعی و قواعد حقوقی کتابی تأکید دارند.<sup>۴</sup> لذا واقع‌گرایی، قاضی را بنده رویه قضایی و متن قانون تلقی نمی‌کند بلکه او را زرگر ماهری می‌داند که با تراش دادن ماده خام، شاهکار می‌آفریند. واقع‌گرایان تلاش کردند که با طرح یک ادعا مبنی بر این که هر تصمیمی که قاضی اتخاذ می‌کند یک عمل بی‌طرفانه و مکانیکی نبوده بلکه یک انتخاب سیاسی و اخلاقی است، نادرستی مدل تصمیم‌گیری قضایی ایده‌آل را نشان دهند.<sup>۵</sup> به بیان دیگر، در امور جزایی، آن قاعده قدیمی که می‌گوید «قانون جزایی قابل تفسیر نیست»، امروزه دیگر جنبه تاریخی به خود گرفته است و در میان معاصران طرفداری

۱. موراوتر، توماس، **فلسفه حقوق، مبانی و کارکردها**، برگردان بهروز جندقی، چاپ دوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،

۱۳۹۱، ص ۴۳۰.

۲. جعفری، پیشین، ص ۵۰.

۳. موراوتر، پیشین، ص ۸۲.

4. Posner, op. cit, p. 105 – 130.

5. Karl, Liewellyn, A Realistic Jurisprudence, The next step, Jurisprudence, Columbia Law Review, Vol. 30 (4) ۲۰۱۳, p. 21.

۶. مالوری، پیشین، ص ۴۳۷.

۷. جعفری، پیشین، ص ۵۳.

ندارد.<sup>۱</sup> لذا متغیرهای مختلفی همانند مصلحت‌سنجی، مشکلات اجتماعی، افکار عمومی و گروه‌های فشار همه بر نحوه رسیدگی و تصمیم‌گیری محاکم قضایی تأثیرگذار هستند. واقع‌گرایی حقوقی علاوه بر داشتن مزیت، به نوبه خود در شرایط خاص می‌تواند جنبه منفی به خود بگیرد و بستر نفوذ سیاست‌های عوام‌گرایی در فرایند دادرسی کیفری را فراهم نماید، به گونه‌ای که قاضی با الهام از این تفکر و با عدول از مبنای آن، تبدیل به زرگر آماتوری شود که با فراموش نمودن مهارت اصلی خویش و به جای خلق شاهکار، چهره مخوف و بی‌رحمانه‌ای از نظام عدالت کیفری خلق نماید. در این وضعیت، واقع‌گرایی حقوقی به ابزارگرایی کیفری محض مبدل می‌شود تا حقوق کیفری به عنوان آسان‌ترین و در دسترس‌ترین ابزار به کار گرفته شود و به عنوان اولین راه‌حل و نه آخرین راه‌حل در نظر گرفته می‌شود. در نگرش ابزارگرایی کیفری، از مقولات کیفری به عنوان دردسترس‌ترین ابزار برای دستیابی به هر هدف و مصلحتی، به منظور حل یا تسکین سریع و آسان یک مسئله، بدون در نظر گرفتن اصول مسلم حقوقی و اخلاقی استفاده می‌شود.<sup>۲</sup> توسعه و گسترش مصادیق جرم‌انگاری عملی و اجرایی و یا توصیف‌های مجرمانه شدید و سنگین رفتارهای مجرمانه عادی افراد توسط قضات بر مبنای تفاسیر ناروا و به نوعی سوءبرداشت از قوانین جزایی به ویژه قوانین جزایی مبهم و کلی، در برهه سلطه قضایی احساسی و هیجانی بر مورد وقایع مجرمانه، حقوق کیفری را از واقع‌گرایی به سمت ابزارگرایی کیفری سوق داده است تا ابزار کیفری به عنوان تنها حلال مشکلات جامعه شناسانده شود. برای نمونه، عنوان استنباطی و تصنی «تحصیل مال نامشروع» از قسمت اخیر ماده ۲ قانون تشدید مجازات اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ توسط مراجع قضایی کیفری، موجبات توسعه نامتعارف مصادیق تحت شمول آن را در عمل فراهم کرده است تا به نوعی با فرد به اصطلاح خاطی، برخورد کیفری سخت شود و در واقع استفاده از این موضوع در برهه حاکمیت فضای خشم و اضطراب آسان و بیشتر می‌شود. همچنین توصیف عمل ارتكابی مرتکب حادثه چاقوکشی در تهران در سال

۱. امید، جلیل، تفسیر قانون در حقوق جزا، چاپ اول، تهران، نشر مخاطب، ۱۳۹۴، ص ۲۵.

۲. رحمانیان، حامد و حبیب زاده، محمدجعفر، «ابزارگرایی کیفری: قلمرو، مفهوم، شاخص‌ها»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۵، ص ۶۳.

۱۳۹۱<sup>۱</sup>، در قالب و عنوان بزه محاربه و افساد فی الارض، در اثر رسانه‌ای شدن این حادثه و به دنبال آن گفتمان احساسی مسئولان عالی قضایی، نمونه بارز دیگری در حقوق کیفری ایران است که در اثر تفسیرهای قضایی ناصواب قوانین جزایی و همگام با مصلحت‌سنجی و عوام‌گرایی صورت گرفت، حال آنکه حقوق کیفری، آخرین گزینه و راه‌حل است و نباید در توسل به آن تعجیل کرد. رویکرد عوام‌گرایی کیفری به سهولت قلمرو صلاحیت محاکم کیفری اختصاصی را گسترش می‌دهد، به این نحو که در اثر تفسیر قضایی، رفتار مجرمانه افراد در قالب و عنوان مجرمانه شدید و ویژه‌ای قرار می‌گیرد که رسیدگی به آن عنوان اتهامی، داخل در صلاحیت محاکم کیفری اختصاصی قرار می‌گیرد. در این موارد به استثنایی بودن صلاحیت محاکم کیفری اختصاصی اعتنایی نمی‌شود. اصل صلاحیت عام محاکم کیفری عمومی که مبتنی بر اصل برابری و مساوات قانونی است، اقتضا دارد ایجاد و تشکیل محاکم اختصاصی، امری استثنایی باشد و باید به صورت شفاف و محدود، دامنه و قلمرو صلاحیت آن‌ها را تعیین کرد، زیرا امور استثنایی باید به قدر متیقن محدود شود.<sup>۲</sup> برای نمونه، حتی توصیف «محاربه» از عمل ارتكابی در پرونده چاقوکشی فوق‌الاشارهونیز توصیف «افساد فی الارض» از اعمال ارتكابی مرد ژله‌ای در سال ۱۳۹۵ در شیراز توسط مراجع قضایی کیفری باعث شد که رسیدگی به این پرونده‌ها از صلاحیت محاکم عمومی کیفری خارج و در صلاحیت محکمه اختصاصی انقلاب قرار گرفت؛ بنابراین برداشت ناصواب از واقع‌گرایی حقوقی و به تعبیری، نگرش ابزاری‌گرایی کیفری

۱. در سال ۹۱ دو پسر جوان که فیلم مربوط به درگیری آنها با شهروند تهرانی توسط رسانه ملی پخش شد به اتهام محاربه و افساد فی الارض محاکمه در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب محاکمه و محکوم به اعدام شدند که پس از تأیید در دیوان عالی در بامداد ۹۱/۱۰/۱، در خیابان بهشهر ضلع شمالی پارک هنرمندان در ملأعام اعدام شدند. حتی قاضی شعبه رسیدگی‌کننده به پرونده در این مورد به رهنمودهای ریاست قوه قضاییه مبنی بر محارب محسوب شدن افرادی که به کشیدن سلاح اعم از سرد و گرم به قصد اخافه و ترساندن مردم از مصادیق محاربه اقدام می‌کنند، اشاره کرد. به بیان دیگر بازنمایی رسانه‌ای جرم و موضع‌گیری عجولانه مسئولان عالی قضایی در سرعت رسیدگی به پرونده و توصیف عنوان مجرمانه ارتكابی و در نهایت در تصمیم‌گیری نهایی تأثیر فراوان داشته است. ر.ک. نشانی اینترنتی ذیل؛

<http://www.hamshahronline.ir/details/198419>

۲. برای مثال، می‌توان به توسعه صلاحیت دادگاه‌های نظامی بر مبنای تفسیر موسع از عبارت «جرم در ارتباط با وظایف نظامی» اشاره کرد که ارتكاب هر عمل مجرمانه‌ای از سوی نظامی در حین انجام وظیفه را داخل در صلاحیت دادگاه نظامی می‌داند هرچند ارتباطی به شغل نظامی‌گری نداشته باشد. این تفسیر برخلاف اصل استثنایی بودن صلاحیت محاکم اختصاصی نظامی است. ر.ک. یزدیان جعفری، جعفری، «بررسی استثنائات صلاحیت محاکم نظامی در قانون اساسی»، مجله حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۸، ۱۳۹۲، صص ۸۹ - ۱۰۹.

همچنین ر.ک. به: امیدی، جلیل، **تفسیر قانون در حقوق جزا**، نشر مخاطب، چاپ اول، ۱۳۹۴، صص ۱۷۱ - ۱۷۳.

باعث می‌شود تا در برهه زمانی سلطه فضای احساسی و اضطراب و خشم (واقعی یا ساختگی)، تفسیرهای قضایی از اصول و قواعد حاکم بر حقوق کیفری خارج و به تفسیرهای عامه‌پسند تبدیل شود تا مسکن و مرهم موقتی و سطحی برای پاسخ‌گویی به احساسات ملتهب و متشنج جامعه باشد و بدین گونه روان متشنج جامعه متعادل و آرام گردد. به عبارت دیگر، در این شرایط از واقع‌گرایی حقوقی استفاده ابزاری می‌شود تا با تأکید بر سخت‌گیری کیفری، محکمه اختصاصی هم به عنوان محکمه صلاحیت‌دار برای رسیدگی به رخداد جنایی ورود پیدا کند. اصولاً هدف و مقصود از تشکیل محاکم کیفری اختصاصی، سخت‌گیری و محدودیت بیشتر برای متهم است، گرچه استثنائاً در برخی موارد تشکیل این محاکم مبتنی بر مسامحه و ارفاق نسبت به متهم است.<sup>۱</sup> بنابراین تأکید بر واقع‌گرایی حقوقی، تفسیرهای قضایی را در شرایط احساسی و ملتهب از اصول و قواعد حاکم بر تفسیر خارج می‌کند و آن را تابع امر اجتماعی و سیاسی حاکم بر رخداد جنایی می‌نماید.

#### ۲.۴. بی‌اعتمادی به نظام عدالت کیفری

مشارکت مردم عادی در امور کیفری، بازتاب کاهش اعتماد آنان به سیاستمداران و فرایندهای سیاسی است که آن‌ها را به قدرت رسانده است.<sup>۲</sup> به نظر برخی، دلیل اصلی نرخ بالای جرائم، سیاست‌های کیفری ملایم بود.<sup>۳</sup> از طرفی بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین میزان رضایت از پلیس و ترس از جرم رابطه معناداری وجود دارد. در واقع کسانی که رضایت بیشتری از پلیس داشته‌اند، چون اعتماد و اطمینان بیشتری به پلیس در راستای تأمین امنیت خود دارند ترس کمتری احساس می‌کنند.<sup>۴</sup> نهادهای نظام عدالت کیفری که عهده‌دار نظم و امنیت در جامعه هستند باید با تکریم مردم و حسن رفتار، درصدد جلب اعتماد مردم باشند. اگر عملکرد این نهادها به گونه‌ای باشد که باعث سلب اعتماد مردم گردد موجبات دل‌سردی و یاس نسبت به این نهادها گسترش

۱. برای نمونه، هدف از تشکیل دادگاه اطفال به عنوان دادگاه اختصاصی، سهل‌گیری و ارفاق نسبت به اطفال و نوجوانانزهکار است که از آن به عنوان سیاست ارفاقی تعبیر می‌شود.

۲. پرت، پیشین، ص ۶۹.

3. Tonry, Michael, **Crime and Punishment in America**, The Handbook of Crime and Punishment, New York; Oxford University Press, 1999, p. 23- 24.

۴. علیخواه، فردین و مریم نجیبی ربیعی، «زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری»، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵.

می‌یابد. یافته‌های ناشی از ارزیابی‌ها در برخی کشورها، از نگرش و تصور مردم از نحوه برخورد ملایم دستگاه قضایی با مجرمان حکایت دارد.<sup>۱</sup> از طرفی نظرسنجی‌ها از کاهش اعتماد عمومی به سازمان‌ها و تدابیر آنها در کشورهای مختلف حکایت دارد،<sup>۲</sup> زیرا غالب مردم نگرش کاملاً منفی در مورد اشخاص مسئول تعیین کیفر دارند. یافته‌های پژوهشی مرکز پژوهش جرم‌پرتانیا در تأیید این مدعاست. آیین بی‌اعتمادی باعث می‌شود که مردم تصور کنند که نرخ ارتکاب جرم رو به افزایش است و رویکرد ملایم و نرم نهادهای عدالت کیفری در قبال مجرمان، آنان را در معرض بزه دیدگی قرار می‌دهد. این عامل به نوبه خود موجب افزایش مداخله مقنن در ایجاد ممنوعیت و محدودیت در اختیارات دادگاه‌ها در تعیین کیفر شده است. همین عامل، گرایش به عوام‌گرایی کیفری را بیشتر می‌کند، درحالی‌که هیچ مدرکی در اثبات این عقیده عمومی که قضات در برابر جرم مدارا می‌کنند، وجود ندارد.<sup>۳</sup> مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی نشانگر آن است که ترس از بی‌اعتمادی مردم به قوه مقننه و اعلان این امر که مجلس نیز همانند قوه مجریه در امر مبارزه با مفاسد اقتصادی مصمم است، نقش به سزای در انگیزه طراحان طرح اصلاح ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، در مورد اعلام و افشای نام وهویت مجرمان اقتصادی داشته است. از این رو طراحان برای تسریع در تصویب طرح به‌طور مکرر به درخواست و مطالبه عمومی مردم استناد می‌نمودند.<sup>۴</sup> مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با اتخاذ همین رویکرد، اعلام و افشای هویت مجرمان اقتصادی با میزان مال موضوع جرم یک میلیارد ریال و بالاتر را از طریق انتشار حکم محکومیت قطعی آنان، الزامی نمود تا با سلب اختیار از دادگاه‌ها، عزم و اراده جدی خود را به‌عنوان وکلای ملت در مبارزه با مفاسد و جرائم اقتصادی نشان دهد. به بیان دیگر، در این موارد نمایندگان مردم در مجلس همانند موکلان خود، به دادگاه‌ها اعتماد لازم و کافی نداشته‌اند و به این طریق از آنان سلب اختیار کرده‌اند. البته در ماده ۳۶ قانون مذکور، تشهیر رسانه‌ای مجرمان جرائم حدی (محاربه و افساد فی الارض) و تعزیر تا

۱. رابرتز و دیگران، پیشین، ص ۵۹.

۲. پرت، پیشین، صص ۶۹-۷۴.

۳. همان، ص ۵۹.

۴. بوم، پیشین، ص ۱۶۱.

۵. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم، اجلاس دوم، جلسه ۱۸۵، پنجم بهمن ماه ۱۳۸۴، صص ۱۲-۱۳.

درجه ۴ و کلاه‌برداری با بیش از یک میلیارد ریال مشروط به عدم ایجاد اختلال در نظم یا امنیت جامعه از طریق انتشار حکم محکومیت قطعی نیز مدنظر مقنن قرار گرفته است تا بدین‌وسیله، ضمن اعتمادسازی نسبت به خود، بی‌اعتمادی‌اش را تا حد زیادی نسبت به قوه قضاییه و عملکرد آن، اعلام کند. حتی در پیش‌نویس اولیه طرح اصلاح ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری سابق، بر انتشار حکم محکومیت مجرمان اقتصادی قبل از قطعیت تأکید شده بود؛ زیرا به‌زعم برخی نمایندگان مجلس، در صورت موکول شدن انتشار حکم به قطعی شدن آن، محاکم تجدیدنظر درصدد تسریع و نهایتاً تأیید حکم بدوی بر نخواهند آمد.<sup>۱</sup> برای مثال یکی از نمایندگان در دفاع از لزوم اعلام هویت مجرمان پس از صدور حکم بدوی و قبل از قطعیت، بیان می‌کند: متأسفانه این واقعیت تلخ را همه می‌دانیم که بسیاری از احکامی که علیه فساد در دادگاه‌های بدوی صادر می‌شود در دادگاه‌های تجدیدنظر یا تغییر می‌کند یا طرف، پاداش هم بعضی وقت‌ها می‌گیرد. حداقل این عامل فشاری است برای اینکه قوه قضاییه که خودش هم متأسفانه مشکلاتی دارد تعلق نکند، برخورد قاطع کند و سوءاستفاده هم اتفاق نیفتد... این عامل فشار باعث می‌شود که دادگاه تجدیدنظر محکم‌تر عمل کند.<sup>۲</sup> این موضوع کاملاً از بی‌اعتمادی نمایندگان به دادگاه تجدیدنظر حکایت دارد و می‌خواستند مرجع تجدیدنظر، در این مورد صرفاً مرجع تأییدنظر دادگاه بدوی شود، امری که به‌وضوح با استقلال قاضی منافات اساسی دارد. حذف جرائم ویژه‌ای همانند جرائم اقتصادی با حدنصاب مشخص و جرائم مواد مخدر و ... از شمول نهادهای ارفاقی چون تعلیق و تعویق (ماده ۴۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲)، اماره دیگری بر نگرش بی‌اعتمادی قوه مقننه به قوه قضاییه و قضات است تا در این موارد با سلب اختیار از قضات و تحدید اختیارات آنان، بی‌اعتمادی خود را به آنان نمایان و خیال خود را از این‌جهت آسوده نماید. ایجاد ساختارها و نهادهای ویژه همانند «ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی» در سال ۱۳۸۰ توسط رئیس قوه مجریه وقت، متعاقب فرمان هشت ماده‌ای رهبر انقلاب در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۸۰، در مورد ضرورت مبارزه قاطع با مفاسد اقتصادی و تغییر این ستاد به «شورای هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی» در سال ۱۳۸۴، همه در راستای جلب اعتماد مردم به حاکمیت بوده است تا در این

۱. امید، جلیل، «گفتمان سیاست جنایی مجلس هفتم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۳-۶۲، ۱۳۸۷، صص ۵۲-۵۳.

۲. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم، اجلاس سوم، جلسه ۲۲۹، بیست و پنجم خردادماه ۱۳۸۵، صص ۹-۱۰.

موارد به بی‌توجهی به دغدغه‌های مردم متهم نشوند. گفتمان اخیر برخی مسئولان هم کاملاً از بی‌اعتمادی به قوه قضاییه سخن می‌راند. یکی از مسئولان عالی‌رتبه در یکی از لیالی قدر سال ۱۳۹۵، اعلام می‌کند: «روزی یک نفر در دفتر بازرسی نزد من آمد و گفت هیچ توقعی ندارم و فقط می‌خواهم از دادگاه بخواهید به پرونده من عادلانه رسیدگی شود. چرا باید تن مردم این‌گونه بلرزد و مردم به این اجماع برسند که همه این‌ها خراب‌اند؟»<sup>۱</sup> نگرش بی‌اعتمادی نسبت به دستگاه قضایی و قضات و بسیج افکار عمومی و جهت‌دهی به آن در خصوص این موضوع، نظام قضایی را به پذیرش و دخالت نگرش‌های عامه‌پسند در تصمیم‌گیری قضایی در برخورد با متهمان و مجرمان وادار خواهد کرد، به‌ویژه زمانی که تصمیمات قضایی، وضعیتی را فراهم می‌کند که احتمالاً انتقادات عمومی را در پی داشته باشد؛ بنابراین نظام عدالت کیفری باید به اصول و قواعد حقوق کیفری پایبند باشد و با توسل به شیوه‌های علمی، به کارزار با مسئله معضل جرم و کنترل آن پردازد تا به اعتماد واقعی و پایدار دست یابد و از نگرش‌های بدبینانه رهایی یابد. برای نمونه از ابزار رسانه و دیگر وسایل ارتباطی استفاده بهینه نماید تا گفتمان اغراق‌آمیز و احساسی مجال بروز پیدا نکند. همچنین از ابزار مهم واقع‌گرایی حقوقی در جهت علمی و درست آن استفاده کند تا قانون دادرسی کیفری همچنان به‌عنوان قانون انسان‌های شریف و پاک‌دامن شناخته شود و در هر وضعیتی حافظ حقوق و آزادی‌های فردی باشد.

۱. روزنامه ایران، هشتم تیرماه یک هزار سیصد و نودوپنج، ص ۲۱.



### نتیجه‌گیری

عوام‌گرایی کیفری، حقوق کیفری را به ابزاری سیاسی تبدیل کرده است تا علاوه بر انحراف آن از کارکرد ذاتی و اصلی خود، در راستای پیشبرد اهداف سیاسی از آن استفاده کند. ساختار سیاسی و سیاست‌گذاران بر مبنای تعلق به نظام ارزشی خود و به بهانه افکار عمومی، در این فرایند مداخله نموده و آن را در مسیرهای خاص و برای دستیابی به اهداف خاص هدایت می‌کنند تا ضمن کسب مقبولیت و محبوبیت، نمایش پاسخ‌گویی به مردم را اجرا نمایند. پیدایش و رشد این رویکرد در دادرسی کیفری، نیازمند وجود و به‌کارگیری بسترها و تکیه‌گاه‌های مخصوصی است. همراهی بسترهای برون سیستمی و درون سیستمی موجب شده است تا عوام‌گرایی در دادرسی کیفری حاکمیت نماید. سیاست‌گذاران هم با آگاهی از این موضوع، با بهره‌مندی از کارکرد این بسترها جهت‌دهی به آنها، برای دستیابی به مقاصد خویش بهره‌برداری می‌نمایند و بدین شیوه با فرافکنی، افکار عمومی را از توجه به سیاست‌های ناموفق خود منحرف و به‌سوی مجرمان جلب می‌کنند لذا به آیین‌ها و مکانیزم‌های مناسب‌تقنین و قضا اعتنایی نمی‌کند. حال آنکه این آیین‌ها و تشریفات در واقع ترسیم‌کننده روند درستی است که بدون مراعات آن نمی‌توان نسبت به اجرای عدالت اطمینان حاصل کرد. فرایند دادرسی کیفری زمانی تضمین‌گر عدالت کیفری است که مبتنی بر سلامت و رعایت قواعد و آیین‌های عادلانه از پیش تعیین‌شده، باشد تا پاسدار حقوق و آزادی‌های افراد باشد. نظام عدالت کیفری نه تنها نباید در پیدایش و حاکمیت رویکرد عوام‌گرایی در دادرسی کیفری سهیم باشد بلکه باید با تکیه بر مؤلفه‌های عقلانیت و علم و رعایت آیین‌های عادلانه، از پیدایش این رویکرد جلوگیری کند و با استفاده از کارکردهای علمی و بهینه بسترهای برون سیستمی و درون سیستمی، به کارکرد منفی این بسترها در عرصه دادرسی کیفری مجال ظهور ندهند. برای تضمین سلامت و عادلانه بودن سیاست جنایی به‌ویژه بخش دادرسی کیفری و رهایی آن از عوام‌گرایی کیفری پیشنهاد می‌شود رهیافت‌های اجتماعی همچون: برقراری عدالت اجتماعی، ارتقا سرمایه اجتماعی (اعتماد و انسجام اجتماعی) و تأکید بر مدیریت دانش در تمام ساختار اجتماع، رهیافت‌های فرهنگی چون: فرهنگ‌سازی نفی خشونت (کلامی و رفتاری)، فرهنگ‌سازی حقوق کیفری حداقلی و نهادینه کردن کنترل‌های غیرکیفری، رهیافت‌های روانی همچون برقراری احساس امنیت و اصلاح الگوهای فکری خشونت‌گرا و رهیافت‌های حقوقی

مانند حقوقی‌سازی سیاست، پایبندی به اصول ضرورت و شفافیت در سیاست‌گذاری جنایی مورد توجه واقع و اجرا شود.

## منابع

## الف) فارسی

۱. ابراهیمی، شهرام، «ارزیابی تحولات اخیر سیاست کیفری در قبال بزهکاران مزمن در پرتو موازین حقوق بشر (از مراقبت و تنبیه تا تنبیه و مراقبت)»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم، پیشگیری از تکرار جرم و بزه دیدگی با تأکید بر نقش پلیس، ۱۳۸۸.
۲. امیدی، جلیل، «گفتمان سیاست جنایی مجلس هفتم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۳-۶۲، ۱۳۸۷.
۳. امیدی، جلیل، **تفسیر قانون در حقوق جزا**، چاپ اول، تهران، نشر مخاطب، ۱۳۹۴.
۴. ایروانیان، امیر، **نظریه عمومی سیاست‌گذاری جنایی**، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲.
۵. بابایی، ایرج، «مبانی نظری رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۳، ۱۳۸۶.
۶. بارکر، کریس، **مطالعات فرهنگی**، برگردان مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، انتشارات پژوهش‌کننده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ۱۳۹۱.
۷. بوم، روبرت، مک‌دونالدی کردن عدالت کیفری، برگردان حسین غلامی و یوسف بابایی، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و چهارم، شماره ۷۰، ۱۳۸۹.
۸. پاک‌نهاد، امیر، **سیاست جنایی ریسک مدار**، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۸.
۹. پاک‌نهاد، امیر، «احساس ناامنی و ترس از جرم»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۵، بهار و تابستان، ۱۳۹۲.
۱۰. پرت، جان، **عوام‌گرایی کیفری، بسترها، عوامل و آثار**، برگردان هانیه هزبرالساداتی، تهران، میزان، ۱۳۹۲.
۱۱. تبیت، مارک، **فلسفه حقوق**، برگردان حسن رضایی خاوری، چاپ اول، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴.

۱۲. جعفری، مجتبی، **جامعه‌شناسی حقوق کیفری، رویکرد انتقادی به حقوق کیفری**، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۹۲.
۱۳. داودی گرمارودی، هما، «مکتب نیوکلاسیک و احیای رویکرد سزادهی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۸، ۱۳۸۴.
۱۴. رابرتز، جولیان و دیگران، **عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی: درس‌هایی از پنج کشور**، برگردان زینب باقری نژاد و دیگران، تهران، میزان، ۱۳۹۲.
۱۵. رحمانیان، حامد و حبیب زاده، محمدجعفر، «ابزارگرایی کیفری: قلمرو، مفهوم، شاخص‌ها»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۵، ص ۶۳.
۱۶. شاپیرو، جان، **لیبرالیسم، معنا و تاریخ آن**، برگردان محمد کاشانی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۱.
۱۷. شاو، دونالد و مک کومبز مکسول، **کارکرد برجسته‌سازی در مطبوعات**، برگردان امید مسعودی، تهران، انتشارات خجسته، ۱۳۸۳.
۱۸. طاهری، سمانه، **سیاست کیفری سخت‌گیرانه**، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۹۲.
۱۹. علیخواه، فردین و مریم نجیبی ربیعی، «زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری»، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۸۵.
۲۰. فرجی‌ها، محمد، «بازتاب رسانه‌ای جرم»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۸۵.
۲۱. فرجی‌ها، محمد و محمدباقر مقدسی، **پاسخ‌های عوام‌گرایی به مفاسد اقتصادی، دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)**، کتاب دوم، بنیاد حقوقی میزان، بهار، ۱۳۹۲.
۲۲. فرجی‌ها، محمد و محمد باقر مقدسی، جلوه‌های عوام‌گرایی در سیاست‌های کیفری مواد مخدر، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۸، زمستان، ۱۳۹۳.
۲۳. فرجی‌ها، محمد و راضیه قاسمی کهریز سنگی، «چالش عدالت و کارایی در نظام عدالت کیفری در گفتمان مدیریت‌گرایی کیفری»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۹، ۱۳۹۴.
۲۴. فرح‌بخش، مجتبی، «رشد و کمال عقل در آیین هرویه قضایی (نقد رأی پرونده ستایش)»، دو فصلنامه رویه قضایی حقوق کیفری، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۵.

۲۵. قادری کنگاوری، روح‌الله، **مبانی و چارچوب‌های نظری در جهان معاصر در؛ تروریسم و مقابله با آن**، چاپ اول، نشر مجمع جهانی صلح اسلامی، ۱۳۹۰.
۲۶. قاسمی مقدم، حسن، «رویکرد مدیریت خطر و پیش‌گیری از تکرار جرم»، به کوشش گروهی از اساتید، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیش‌گیری از تکرار جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۸.
۲۷. کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن، «جنبش‌های بازگشت به کیفر»، مجله الهیات و حقوق، شماره ۱۶-۱۵، ۱۳۸۴.
۲۸. کریمی، فاطمه و اصغر کاظمی، **بررسی وضعیت مجازات اعدام**، چاپ اول، قم، دادگستری کل استان قم، ۱۳۸۷.
۲۹. کیا، علی‌اصغر و حسن علی مؤذن زادگان، «بررسی تطبیقی اخبار جنایی صفحه حوادث روزنامه‌های کشور تحلیل محتوی سه روزنامه ایران، همشهری و آفتاب یزد در سال ۱۳۸۸»، مجله پژوهش حقوق عمومی، ۱۳۹۰.
۳۰. ماری، فیلیپ، «کیفر و مدیریت خطرها، به‌سوی عدالتی محاسبه‌گر در اروپا»، برگردان حسن کاشفی اسماعیل‌زاده، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹، پاییز و زمستان، ۱۳۸۹.
۳۱. مالوری، فیلیپ، **اندیشه‌های حقوقی**، برگردان مرتضی کلانتریان، چاپ دوم، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۸.
۳۲. محمودی جانکی، فیروز و محسن‌مردی حسن‌آبادی، «افکار عمومی و کیفر‌گرایی»، مجله مطالعات حقوقی شماره ۵، پاییز و زمستان، ۱۳۹۰.
۳۳. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم، اجلاسیه دوم، جلسه ۱۸۵، پنجم بهمن، ۱۳۸۴.
۳۴. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم، اجلاسیه سوم، جلسه ۲۲۹، بیست و پنجم خرداد، ۱۳۸۵.
۳۵. مقدسی، محمدباقر و محمد فرجی‌ها، «ویژگی‌های سیاست‌های کیفری عوام‌گرا؛ مطالعه تطبیقی»، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره چهارم، شماره ۲، ۱۳۹۲.

۳۶. مک کوایل، دنیس، **درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی**، برگردان پرویز اجالالی، چاپ دوم، تهران، دفتر مطالعات توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۵.
۳۷. موراوتز، توماس، **فلسفه حقوق، مبانی و کارکردها**، برگردان بهروز جندقی، چاپ دوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۳۸. مهدی زاده، سید محمد، رسانه‌ها و بازنمایی، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۷.
۳۹. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، سیاست جنایی در علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقا دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)، جلد دوم، تهران، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴.
۴۰. نوبهار، رحیم، **حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷.
۴۱. نیکوکار، حمیدرضا و بهاره همت پور، **ترس از جرم**، تهران، میزان، ۱۳۹۱.
۴۲. هابز، توماس، **لویاتان**، برگردان حسین بشیریه، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.
۴۳. هالووی، گابریل، **کیفردهی آموزه‌های مدرن**، برگردان علی شجاعی، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۳.
۴۴. هزارجریبی، جعفر، «بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، مطالعه موردی شهر تهران، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۳، ۱۳۹۰.
۴۵. یزدیان جعفری، جعفر، «بررسی استثنائات صلاحیت محاکم نظامی در قانون اساسی»، مجله حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۸، ۱۳۹۲.

### (ب) انگلیسی

1. Barr, N, **Economics of the welfare state**, Oxford University Press, 2011.
2. Brown, Darryl K, The reverse effects of efficiency in criminal process, *Virginia Law Review*, Vol.100 No. 183, 2014.
3. Cohen, B. C, **The press and foreign policy**, Princeton, NJ; Princeton University Press, 1963,
4. cook, Dee, **criminal and social justice**, pine forge press, 2006.
5. Deakin, N, **Welfar and the state**; Crisis of the welfare state Taylor and Francis, 2004.

6. Donnelly, Jack, Human Right in the new world order, world policy journal, Vol. 9, No. 2. 1992.
7. Freiberg, Arie, Managerealism in Australian Criminal justice, RIP for KPIS, Monash University Law Review, Vol. 39, No.19. 2004.
8. Garland, D, The Limits of the sovereign stat, Strategies of Crim Control in Contemporary Society, The British Journal of Criminology, 36 (4). 1996.
9. Gelb. Karen, **Myths and Misconceptions; Public Opinion versus public judgment about sentencing**, Melbourne; The sentencing advisory council, 2006.
10. hall, S. and Jhally, S. **representation & the media**, Northampton, MA; Media Education Foundation, 2007.
11. Hollander, J. H, **Economic liberalism**, literary, licensing, 2012.
12. Karl, Liewellyn, A Realistic Jurisprudence, The next step, Jurisprudence, Columbia Law Review, Vol.30(4). 1930.
13. Lister, Ruth, **poverty**, Cambridge, polity press, 2004.
14. McLaughlin, Eugene and Muncie, John, **The Sage Dictionary of Criminology**, Sage Puplications, 2001.
15. Posner, Richard A, **Reflection on Judging**, Cambridge, Massachusetts, London, England, 2013.
16. Rubin, E. L, **Introduction: Minimizing harm as solution to the crime policy conundrum**, in Rubin, E. L. (Eds.) Minimizing harm: Anew crime policy for modern America, Boulder Co: West View Press, 1999.
17. Sidgwick, Henry, **The Elements of politics**, London; Macmillan, Reprint of 1897 edition by Macmillan, 2000.
18. Svendsen, Lars, **A philosophy of fear**, Reaction Books Publisher London, 2008.
19. Terrill, Richard, j, **World criminal justice systems; A comparative survey**, newness. 2001.
20. Tonry, Michael, **Crime and Punishment in America**, The Handbook of Crime and Punishment, New York; Oxford University Press, 1999.
20. War, Mark, **Fear of crime in the united states; Avenues For Research and policy**, criminal justice, Vol. 4. 2000.

ج) روزنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی

روزنامه ایران

روزنامه همشهری

[http:// www.farsnews.com](http://www.farsnews.com)

[https:// fa.wikipedia.org](https://fa.wikipedia.org)

[http; // www.fararu.com](http://www.fararu.com)

[http:// www.entekhab.ir](http://www.entekhab.ir)

[http:// www.isna.ir](http://www.isna.ir)

[http://www.khabaronlin\](http://www.khabaronlin)

[http:// www.hamshahrionline.ir](http://www.hamshahrionline.ir)

<http://www.taranews.com>

[http:// www.yjc.ir](http://www.yjc.ir)